

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۹، پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸
شماره ۱۵ روال

روز کارگر به جشن عمومی تبدیل شد

میلیون‌ها نفر در سراسر کشور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و جشنهای اول ماه مه شرکت کردند

روز کارگر، روز اول ماه مه، باشکوه و گسترده‌گی هرچه تمام‌تر برگزار شد. میلیون‌ها

نفر در سراسر کشور در این جشن شرکت کردند. بعد از سالیان دراز رنج، زندان، شکنجه و اعدام، بعد از سال‌های بسیار که برگزاری روز اول ماه مه، مثل هر چیز و همه‌چیز مردمی ممنوع بود، پررنگی زیر آفتاب زیبای بهاری، نام کارگر سراسر خیابان‌ها را انباشت و نسیم دلنشین بهاری بر پلاکات‌هایی وزید، که خطوط درشت روی آن خواست‌های کارگران را اعلام می‌کرد.

شهر یسره، زیر گام‌های نیرومند کارگران به لرزه درآمد و موج در موج، بانگ کارگران قهرمان ایران بهم پیوند خورد. و با صدای جهانی کارگران درهم آمیخت.

صبح با سرودهای کارگری پیوند خورد. از طرف حزب جمهوری اسلامی ۶ نقطه تهران برای تجمع و حرکت کارگران در نظر گرفته شده بود. نزدیک ساعت ۶ صبح جمعیت وسیعی در این نقاط گرد آمدند. کارگران همجا مرکز نقل و اداره کننده بودند. چهره مصمم و از رنج سوخته کارگران، همجا دیده می‌شد. اینجا و آنجا، کارگران صفوف را نظم می‌دادند، جای پلاکات‌ها را تعیین می‌کردند، انتظامات را شکل می‌دادند، شعارها را یخش می‌کردند و تدارک برگزاری جشن بزرگ کارگری را میدیدند.

ساعت ۹ صبح صفوف کانون از ۶ نقطه تهران به حرکت درآمد. از جنوب تهران، از میدان‌های شوش و راه آهن، صف طولانی و منظم کارگران، زن و مرد، بانکارهای خود خیابان‌ها را می‌انباشتند و پیش می‌رفتند. در ضربکوب پاها، این

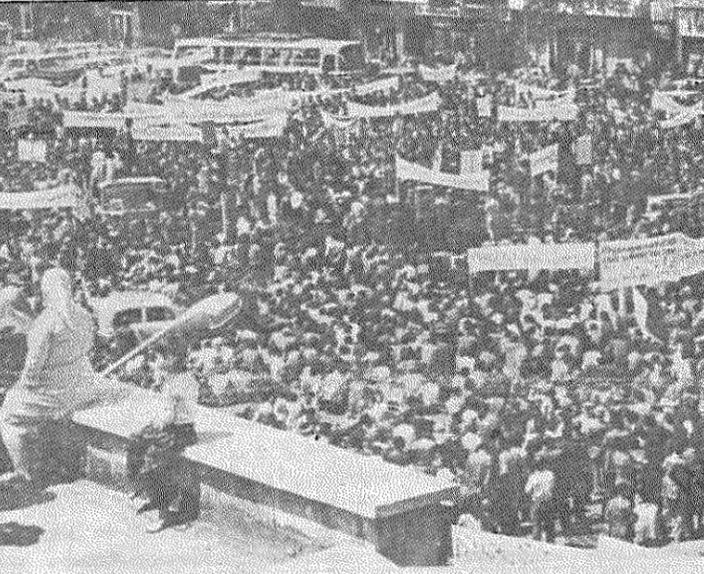
نقشه در صفحه ۳



اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
ما ترور آیت‌الله مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب را به شدت محکوم می‌کنیم

شب چهارشنبه، آیت‌الله مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب و یکی از متفکران برجسته روحانی، ترور شد. این جنایت تازه، که بدون تردید جزئی از توطئه‌های جنایتکارانه امپریالیسم و عمال ایرانی آن‌ها بر ضد انقلاب ایران است، بار دیگر به همه مردم، به همه نیروهای انقلابی و به دولت‌شمار می‌دهد که می‌باید بر ضد توطئه‌های جنایت‌بار امپریالیسم و عمال ایرانی آن‌ها هوشیار بود، متحد شد و قاطعانه عمل کرد.
ما ترور خائنانه آیت‌الله مرتضی مطهری را به شدت محکوم می‌کنیم؛ به خانواده ایشان صمیمانه تسلیت می‌گوییم و عصرانه از دولت می‌طلبیم که به پیروی از رهنمودهای امام خمینی، توطئه‌گران جنایتکار را بی‌رحمانه افشا و سرکوب کند.
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۲/۱۲

نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران
بهنامیت بیست و یکم اردیبهشت، سالروز شهادت خرو روزبه، قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نمایشگاهی به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران تشکیل خواهد شد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، از همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران، از همه مطمین خواهانندیم عکس و هر اطلاعی درباره زندگی، پیکار و شهادت مبارزان شهید دارنو یا می‌توانند به دست آورند، هرچه زودتر در اختیار دفتر «مردم» قرار دهند.
با سپاس فراوان
مردم



مردم ایران چشم به راه آنچنان قانون اساسی هستند که هدف‌های انقلاب آن‌ها را منعکس سازد

پس از انتشار بخشی از طرح قانون اساسی جدید در برخی روزنامه‌ها، به نظر می‌رسد که دوران انتظار برای انتشار این طرح، که زیاده‌ها به‌دیر کشیده است، به پایان رسیده و طرح دیگر آماده است، ولی تکذیب بعدی نشان داد که چنین نتیجه‌گیری عجولانه بود.
تکذیب رسمی دائر به آن که طرح ناقص نشر یافته در «کیهان» و «آیندگان» هنوز طرح اصلی نیست، دواحساس را برانگیخت؛ اول نوعی ناخرسندی دائر بر این‌که: «بالاخره این طرح کی حاضر می‌شود؟ آیا صلاح است، در ایامی که ضدانقلاب از فقدان چنین سندی حداکثر استفاده را می‌کند و نسبت به انقلاب و نتایج و دورنمای آن بند ریاس و نگرانی می‌افشاند، اینکار بازهم برای مدت نامعینی به تعویق بیافتد؟» دوم نوعی احساس خرسندی، زیرا طرح ناقص نشر یافت، با آنکه متضمن نکات مثبت متعددی بود، ولی نمی‌توانست در خور یک سلسله انتقادات جدی نباشد. بین برخی احکام و مواد این طرح ناقص تکذیب شده، تناقضات تعجب‌آور وجود داشت.
مردم ایران با بی‌صبری انتظار دارند که در آینده‌های هرچه نزدیک‌تر، طرح کامل قانون اساسی جدید، با نکات و جنبه‌های

بقیه در صفحه ۴

هموطنان! رفقا و دوستان!
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌بیروزی نیاپی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.
کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:
شماره حساب بانکی: ۴۲۲۲، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، شاه‌اسماعیل صفوی، خیابان شهید کتر حسین فاطمی، تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۴۴۵۹

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
باتحکیم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی،
ضد انقلاب را هر چه قاطع تر افشا، منفرد و سرکوب کنیم.
دسیسه‌های فریبنده سازشکاران را بر ملا کنیم و عقیم گذاریم.
دستاوردهای انقلاب را تحکیم کنیم و در جهت خواست‌های اکثریت مردم گسترش بخشیم.
تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما

تلاش ضد انقلاب
در هفته‌ها و به‌ویژه در روزهای اخیر، در فضای سیاسی میهن ما حوادثی روی داده و جریان‌هایی جان گرفته‌اند که محتوی‌شان به‌طور روشن در جهت تضعیف دستاوردهای انقلاب تاریخی مردم است.
فعالیت آشکار نیروهای ارتجاعی و دست‌های ضد انقلاب در حوادث سندج - نته - گنبد، توطئه‌ای که علیه آیت‌الله طالقانی بوجود آمد، تظاهرات وسیعی که به‌بهانه مقاله‌ای از آیت‌الله خلیجی، در جهت تضعیف رهبری امام خمینی و جنبش، در تبریز و تهران و مشهد به راه افتاد و ترور سرلشگر قره‌نی را نیز باید نمونه‌ای از این فعالیت‌ها به‌شمار آورد.
به‌دیگر سخن، از یک سو ما شاهد آن هستیم که نیروهای ضد انقلاب در داخل و خارج کشور فعالیت‌های خرابکارانه خود را به‌طور چشمگیر گسترش می‌دهند و از سوی دیگر آن نیروهایی که بنا بر انگیزه‌های طبقاتی‌شان در جریان گسترش جنبش انقلابی مردم ایران به‌طور ناپی‌گیر و ناقص شرکت داشته‌اند، فعال‌تر شده و می‌کوشند از گسترش انقلاب در جهت خواست‌های توده‌های میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا جلوگیری نمایند. نیروهای جهانی دشمن انقلاب ایران، یعنی محافل امپریالیستی غرب و بویژه امپریالیست‌های امریکائی و صهیونیست‌ها، همه نیروی جهانی خود را در جهان به‌کار انداخته‌اند تا جو نامساعد تبلیغاتی علیه انقلاب ایران بوجود آورند. جاسوسان امپریالیسم در ایران، با همکاری با جنایت‌کاران ساواک و پشتیبانی همه‌جانبه محافل وابسته به امپریالیسم در ایران، هر روز فعالیت خود را برای ایجاد بحران‌های گوناگون و خراب‌کاری در راه عادی کردن و تجدید سازمان زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی کشور و ناراضی ساختن و ترساندن از انقلاب گسترش می‌دهند و در این راه از هیچ جنایتی و هیچ بهانه‌تراشی برای برادر کشی میان خلق‌ها و ترور و آدم‌کشی مبارزان انقلابی روگردان نیستند.
بقیه در صفحه ۵

چرا قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا ملغی اعلام نمی‌شود

قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا هنوز ملغی نشده است. همه مردم به‌حق انتظار داشتند که دولت همزمان با اعلام خروج ایران از پیمان تجاوزی امپریالیستی سنتو، قرارداد دوجانبه نظامی و نیز کلیه دیگر قراردادهای و مقاوله‌نامه‌های نظامی با آمریکا را ملغی نماید. یکی از این قراردادهای پرشمار، «قانون» واگذاری مصونیت قضائی و سیاسی به‌مشتاران امریکائی است که در سال ۱۳۴۳ به‌دست دولت شه فرموده منصور از ماشین رای‌گیری مجلس ذلیل و مامور (ولی نه معذور) گنبد و مردم به‌درستی آنرا احیای کاپیتولاسیون نامیدند.
قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا - بدتر از پیمان سنتو - سند اسارت ایران است. امپریالیسم توسعه طلب و متجاوز آمریکا آنرا در زمانی به‌دست شاه مخلوع بر ایران تحمیل کرد که کشور عراق، پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸، از «پیمان بغداد» خارج شد و این پیمان، که نام سنتو بر آن نهاده‌اند، سیرت که از هم باشد، قرارداد دوجانبه باعث شد که نه‌فقط سنتو بماند و عضویت ایران در آن حفظ گردد، بلکه ارتش ایران مستقیماً به‌ارابه جنگی امپریالیسم آمریکا زنجیر شده و سیاست خارجی کشور ما تابعی از سیاست آمریکا گردد. اگر در پروتکل سری پیوست پیمان سنتو قید شده است که فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی هم‌پیمانان (آسیائی) به هنگام لزوم در اختیار هم‌پیمانان (امریکا و انگلیس) قرار می‌گیرد، در قرارداد دوجانبه، به‌ایالات متحده آمریکا «حق» داده شده است که برای دفع خطر «تجاوز غیر مستقیم» (یعنی جنبش انقلابی آزادی - بخش خلق ایران) می‌تواند ارتش به‌ایران گسیل دارد. یک چنین قراردادی، که سری هم هست و خدا می‌داند مواد آن چه فضاحتی است، هنوز ملغی نشده است. تملل در امضای قرارداد دوجانبه و دیگر قراردادهای نظامی با ایالات متحده آمریکا، نه‌فقط باعث شگفتی، بلکه مایه نگرانی مردم است، زیرا باعث دلگرمی و مایه امیدواری ضد انقلاب است. به‌این

بقیه در صفحه ۳

- در این شماره می‌خوانیم:
- ۱ اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 - ۲ از تاریخ بیاموزیم آنچه «غیر قانونی» بودن حزب توده ایران نامیده‌اند یک توطئه جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است.
 - ۱ مردم ایران چشم به راه آنچنان قانون اساسی هستند که هدف آن‌ها را منعکس سازد
 - ۲ روز کارگر، به جشن عمومی تبدیل شد.
 - ۱ چرا قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا ملغی اعلام نمی‌شود.

ایران در هفته‌ای که گذشت

پیش به سوی تشکیل شوراها

نخستین شورای منتخب شهر، سرانجام پس از پشت سر گذاشتن تمام موانعی که ضدانقلاب و ارتجاع بر سر راه آن به وجود آورده بود، این هفته کار خود را در سنندج شروع کرد.

این شورا، علیرغم کمی‌ها و کاستی‌های احتمالی آن، عملاً نشان داد که وقتی زمان خدمت به خلق فرا می‌رسد، تمام کسانی که صداقت لازم را دارند، با هر نوع اندیشه و تفکر سیاسی و مذهبی، می‌توانند و باید در کنار یکدیگر قرار گیرند و ضمن خدمت به خلق، سدی به استواری حقیقت و پایداری، در برابر ارتجاع و ضد انقلاب بکشند. ما نیز، همانند دیگر نیروهای مترقی، ایمان داریم تشکیل شوراهای و سپردن کار مردم به دست خود آنها، یگانه راه پایان دادن به توطئه‌های ضد انقلاب برای برپایی جنگ‌های منطقه‌ای در ایران است. به همین دلیل می‌گوییم: پیش به سوی برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا در سراسر ایران، در چارچوب حل مسأله ملی ایران!

مدارک را فاش کنید

سخنگوی دولت، در این هفته، در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خویش، برای نخستین بار اشاره به مدارک موجود درباره جاسوسی کشورهای دیگر در ایران و ورود اسلحه به داخل ایران برای ایجاد بلوا و آشوب کرد و در زمینه کارشناسی عوامی مشکوک برای جلوگیری از ادامه کار کارخانه‌ها، خبری را در اختیار جراید گذاشت که به نظر ما بسیار بسیار بهجا و آگاهی از آنها برای مردم ایران لازم است. این اخبار با یکدیگر پیوند نامستنی دارند و حکایت از توطئه‌ای جهانی برای برپایی جنگ خانگی در ایران و زمینه‌سازی برای جدا کردن قسمتی از خاک ایران را دربر دارند. ارتباط این توطئه جهانی با حوادث داخلی ایران، که سخنگوی دولت به آن اشاره کرده، از آنجاست که عوامی سعی دارند از بازسازی کشور جلوگیری کنند و با فلج کردن کشور از نظر اقتصادی، زمینه لازم را برای شورش و بلوا و اغتشاش فراهم کنند. امام خمینی نیز اخیراً در تمام سخنرانی‌ها و پیام‌های خویش به این مسأله مهم اشاره کرده‌است. ما نیز، مانند همه مردم وطن‌پرست ایران، بی‌صبرانه در انتظار افشای این عوامل توسط دولت و بر ملا کردن مدارک موجود در این زمینه هستیم.

آغوش ایران برای کشورهای مترقی و انقلابی باز است

سفر دو هیئت از دو کشور انقلابی «کوبا» و «لیبی» به ایران و مذاکراتشان با رهبران انقلاب ایران از سوئی و قطع رابطه ایران با کشور مصر به دلیل امضای پیمان‌ننگین به اصطلاح صلح سادات - اسرائیل، این امید را همراه دارد که رژیم انقلابی ایران آغوش خود را برای آن کشورها و رهبرانی گشوده است که در تمام طول سال‌های سیاه گذشته، دوستی با خلق قهرمان ایران را به فراموشی در کنار رژیم مزدورپهلوی ترجیح دادند. انتشار خبر مربوط به سفر قریب الوقوع وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک خلق یمن، که در سال‌های گذشته باید بیشتر از هر کشور منطقه از رژیم شاه مخلوع ضربه دیده است، به ایران این امید و خوشحالی را برای خلق ایران کامل می‌کند. یمن انقلابی در سال‌های گذشته یکی از هدف‌های توطئه‌های شوم رژیم شاه مخلوع در منطقه خلیج فارس بوده است و در تمام مدتی که این کشور از سوی تمام کشورهای جهان به رسمیت شناخته شد، رژیم شاه مخلوع با آن ارتباط دیپلماتیک نداشت.

ما معتقدیم رژیم انقلابی ایران برای برقراری و تحکیم ارتباطات خود با کشورهای انقلابی منطقه و جهان، هرگونه دسیسه احتمالی ارتجاع داخلی و خارجی را در این زمینه باید درهم کوبد و در صورت امکان از تجربیات این کشورها برای رفع مشکلات موجود ایران، که خاص هر انقلابی است، استفاده کند. ما از سخنان به حق عبدالسلام جلوه، نخست‌وزیر لیبی یاد میکنیم که در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران گفت: «ما با دل‌هایی پر از صفا و صداقت و صمیمیت به سوی شما آمده‌ایم تا دست‌های یکدیگر را بفشاریم. وقتی می‌خواستیم به ایران بیاییم همه مردم لیبی می‌خواستند بیایند، حتی پسران و پیرمردان. شما ملت مبارز و قهرمان ایران باید آگاه باشید که هنوز دست‌های مرموز استعمار، سیاه، ارتجاع، طرفداران و سرسپردگان رژیم سابق

و دیگر دشمنان خلق‌های مسلمان همچنان در کمین‌اند تا به انقلاب شما ضربه بزنند و انقلابتان را از مسیر واقعی‌اش دور سازند. هم قسماً به رژیم پهلوی و آنان که همواره در خدمت امپریالیسم بوده و هستند نیز همچنان مترصد فرصت‌اند و این بیداری و آگاهی و مقاومت و آمادگی شمامت که می‌تواند تمام دسائیس و حیل‌های گوناگون آنان را خنثی کند.»

مهاجرین سیاسی باید به وطن باز گردند

هرآن تشنه دیدار وطن، که در طول حکومت جبارانه رضاخان سفاک و پسر خونریزی مجبور به ترک وطن شدند، همچنان برای بازگشت به ایران لحظه شماری می‌کنند و در انتظار تسهیلاتی هستند که دولت می‌بایست برای بازگشت آنها به ایران فراهم آورد. آنها نیز مانند میلیون‌ها ایرانی می‌خواهند در کنار برادران و خواهرانشان در سازندگی ایران فردا سهیم باشند. دولت برای بازسازی میهن غارت شده و بهیفا رفته توسط رژیم گذشته به تخصص و نیروی آنها نیاز دارد.

در همین زمینه آقای رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای استاندار آذربایجان، این هفته، در گفتگویی که در مطبوعات داخلی چاپ شد به درستی گفت: اگر در گذشته مهاجرین و ایرانیان مقیم کشور شوروی تحت فشار رژیم از ایران رفته‌اند، دلیلی ندارد جلو آنها را بگیریم. اینها ایرانی هستند و حق بازگشت به وطن خود را دارند. گذشته از این ممکن است این افراد تخصص‌هایی داشته باشند که مورد استفاده ما باشد.

ما ضمن تأیید گفته‌های آقای مقدم اضافه می‌کنیم که مرز میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی، حتی در سخت‌ترین شرایط که رژیم شاه هرگونه بیان دوستی خلفهای دو کشور را سرکوب می‌کرد، در دل مردم دو کشور، مرز دوستی و برادری بوده‌است. ایرانیانی که در زیر فشار شدید رژیم شاه مجبور به ترک وطن شدند، برای زندگی در مهاجرت خود از همین دوستی و برادری سود بردند.

پاسخ دندان شکن به عضوین المملی

امام خمینی در این هفته یکبار دیگر جواب دندان شکنی به سازمان‌ها و جمعیت‌هایی داد که این روزها دایه دل‌سوز تر از مادر شده‌اند و برای نجات مثنی جنایت‌کار و غارت‌گر از جنگ دادگاه‌های انقلابی جنجال می‌کنند، همان سازمان‌ها و جمعیت‌هایی که تا چندی قبل در مقابل وحشیانه‌ترین جنایات رژیم سرتکون شده شاه - ساواک مهر سکوت بر لب زده بودند و هر بار که گزارشی از موارد نقض حقوق بشر در جهان برای کنفرانس‌ها و سمینارها تهیه می‌کردند ایران را به فراموشی می‌سپردند و برای نفنیدن فریاد خشم و عصبانیت خلق ایران بنبه در گوش می‌کردند.

امام خمینی در پاسخ به یکی از مقامات سازمان عفو بین‌المللی به درستی گفت: «آیا می‌دانید که بیش از ۵۰ هزار نفر در زیر تانک‌ها و در برابر رگبار مسلسل‌ها در سال گذشته کشته شدند؟ آیا می‌دانید که این جلادان شیطانی بهترین و عزیزترین جوانان ما را در شرایط دردناک و در سلول‌های زندان در این ۵۰ سال تارک کشته‌اند؟ آیا لحظه‌ای فکر کرده‌اید که چگونه هزاران خانواده بدون نان‌آور مانده‌اند و به هزاران پدر و مادر داغ‌دیده فکر کرده‌اید؟ آیا آنها انسان نبودند؟ آیا آنها شایسته شفقت نبودند؟ آیا درباره هزاران نفر از مردمی که این جنایت‌کاران آنها را مثله کردند و باید در سراسر زندگی خود ناقص‌العضو بمانند فکر نمی‌کنید؟»

امام خمینی در همین پاسخ به حق و مستدل خود، با اشاره به نامه‌ای که کمیته عفو بین‌المللی برای وی نوشته و تقاضای متوقف شدن اعدام‌های انقلابی را کرده، گفت: «اندکی فکر کردن بهتر از نامه نوشتن به ماست.»

به راستی هم اندکی اندیشیدن درباره جنایات بی‌حساب رژیم شاه - ساواک، حتی برای چند دقیقه‌ای، هر انسان واقعی را از تصور هرگونه چشم‌پوشی و اغماض درباره جنایت‌کاران و غارت‌گران و سرسپردگان رژیم سرتکون شده پهلوی منصرف می‌کند. ما همراه با تمام خلق ستم‌کشیده ایران یکبار دیگر تأکید می‌کنیم که کار دادگاه‌های انقلابی بدون وقفه باید ادامه یابد، و همزمان با آن، جزئیات دادگاه‌ها و اطلاعات به دست آمده از دستگیر شدگان در طول بازجویی‌ها، با مدارک و شواهدی که بی‌شک در اختیار است، باید در معرض افکار عمومی قرار گیرد تا همه جهانیان بدانند، آنها که به جوخه اعدام سپرده می‌شوند محکومین دادگاهی به بزرگی تمام ایرانند.

چه کسانی امپریالیسم آمریکا را فراموش می‌کنند

نخستین اول ماه مه، در بهار آزادی، با شکوه فراوان برگزار شد و دیرباورترین محافل را نیز در برابر این واقعت قرار داد که این جشن بزرگ کارگری، به رغم سال‌های دراز فشار و اختناق بی‌پایان، در میان زحمتکشان ایران ریشه دوانیده و در قلب و روح آنها جا گرفته است. اگر این جشن جهانی، این روز هم‌بستگی بین‌المللی، ریشه نمی‌داشت و برای کارگران شناخته نمی‌بود، ممکن نبود با چنین وسعتی در سراسر کشور برگزار شود.

در شماره امروز «مردم» گزارش گویایی از مراسم دیروز تهران، که نمونه‌ای از وسعت و عظمت این جشن است، درج شده و خبرهایی نیز که از سایر شهرهای صنعتی کشور رسیده، از برگزاری باشکوه این روز بزرگ حکایت می‌کند. ولی ضمن بزرگداشت اول ماه مه، نمی‌توان تلاش برخی دستجات خرابکار را که می‌خواستند در این روز حادثه آفرینی کنند و جشن‌ها و عزا میل سازند، ذکر و افشا نکرد. نخستین خیرهایی که تاکنون به دست ما رسیده حاکی است که در تبریز، اصفهان و برخی شهرهای مازندران، افراد معلوم‌الحالی کوشیده‌اند با شعارهای تند ضد کمونیستی و زیر لوای دروغین مذهب، صفوف کارگران را برهم زنند.

در تهران دستجات ۱۵-۲۰ نفری از عناصر مشکوک بارها کوشیدند که صف راهپیمایی سنجیک‌های کارگری را بشکنند و در آن اختلال کنند. وقتی صف متشکل کارگران به پشت مجلس شورای ملی رسید، تحریکات عوامل مشکوک شدیدتر شد و کسانی از جاهای دیگر به صف اختلال‌گران پیوستند و کوشیدند از حرکت ظاهر کنندگان جلوگیری کنند. کار به جایی رسید که اعضای کمیته امام برای متفرق کردن اختلال‌گران مجبور به تیراندازی هوایی شدند، ولی اختلال‌گران که بدون تردید حضورشان در آنجا از قبل و از جانب محافل معین ضدانقلابی تدارک شده بود، آرام نمی‌شدند. تنها قدرت متشکل

نامه حزب کمونیست عراق به حضرت آیت الله العظمی امام خمینی



ما با توجه و اعجاب بزرگ، مبارزه ملت دلاور ایران علیه امپریالیسم و علیه رژیم استبدادی نوکرآب شاه را دنبال کرده‌ایم و پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک شما را همراه با شما جشن گرفتیم. اجازه بفرمائید تحریکات صمیمانه خود را به شما و عموم فرزندان عزیز کشور همسایه ایران، به مناسبت این پیروزی بزرگ تاریخی، انقلابی که به اوج خود دست یافته، تقدیم نمائیم و موفقیت‌های آتی شما را در امر تحکیم انگیزه‌های این پیروزی و امحای مواضع نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، جهت تحقق امیدها و اهدافی که فرزندان خلق خون خود را در راهش ایثار نمودند و برای ساختمان ایران نوین و آزاد و دموکرات و مرفه آرزو نمائیم. انقلاب ایران بار دیگر ثابت کرد که اراده مردم، هنگامی که با صف‌های فشرده برانگیخته می‌شود، نیرومندتر از دسائیس امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم قوی‌تر از سازمان‌های خفقان‌آور ساواک و قوی‌تر از روش‌های ارتعاب و کشتار است که رژیم‌های ارتجاعی حاکم به آن متوسل می‌شوند. دشمنان ملت ایران، چه امپریالیست‌ها و چه ارتجاع، از دسائیس و توطئه برای بازگرداندن موقعیت‌های از دست رفته خود به هیچ وجه دست بر نمی‌دارند. تاکنون امکانات خراب‌کارانه ویران-گرانه آنها کم نبوده است. ولی این تلاش خراب‌کارانه در صورتی با شکست مواجه خواهد شد که کلیه نیروهای میهن‌دوست و آزادی‌خواه با صف‌های متحد در جمهوری انقلابی، که به اراده مردم، به وجود آمده

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

اول ماه مه

ماه مه! ماه شادمانی جان
ماه جشن و سرور کارگران
با تو آغاز می‌شود شادی
پرتو دنناوز آزادی
سال‌ها پیش در زمین بزرگ
کارگر بره بود و دارا کرگ
خونش اش، ولی اجافش سرد
سفره‌اش خالی و دلش پر درد
دست در کار، پای در زنجیر
همه‌جا کارگر: گرسنه، فقیر
ناگهان ماه مه غریب کشید
کارگر در میان خون غلتید
شعله‌ای پای تیرگی جان داد
هیچ ویرانه‌ای نشد آباد
باز دنیای دردناک کهن
بر سر خلق گشت سایه فکن
جنبش کارگر زجوش افتاد
دست و پائی نشد ز بند آزاد
باختر دم گرفت و شد خاموش
سرب و آتش گرفت راه خروش

سرب و آتش اگر چه جانسوز است
حق و ایمان، همیشه، پیروز است
حق و ایمان سلاح کارگر است
زین سبب بزرگار - بارور است
ماه مه سال‌ها رسید و گذشت
میوه‌ای، حاصلی نچید و گذشت
ناگهان شرق زنده بیدار
شرق گهواره تمدن و کار
پرچم سرخ را گرفت به دست
راه ظلم و ستمگری را بست
سرخ اکبر جاودانه رسید
دژ خودکامگی به خود لرزید
غرش خشمناک کارگران
هدف خوب و پاک کارگران
در زمین و زمان طنین انداخت
با طلوع درفش سرخ نشین
کارگر زنده شد به روی زمین

ماه مه! آمدی؟ سلام سلام
گوش کن، گوش کن بدین پیغام
تا که سرمایه جسم و جان دارد
جنگ و نفرت به ارمغان آرد
زندگی خسته ماند و مبهوت
خشکسالی، گرسنگی، برهوت
باز هم دشمن شرافت و کار
جنب و جوشی گرفته پر ادبار
لیک سرمایه هر چه پیش رود
گور خود را به دست خویش کند...

قابل توجه ناشران
مدتی است که ناشران، افراد و موسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدید چاپ می‌کنند و به فروش می‌رسانند. بدین وسیله به اطلاع همگان و به ویژه ناشران می‌رساند که تجدید چاپ، پخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است.
از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ کرده و به فروش رسانده‌اند، خواهشمند است که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آنها انتشار یافته، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.
ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یا تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه حزب به دفتر «مردم» مراجعه کنند. امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقه‌مندان به انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

تبریک کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه طی تلگرامی، فعالیت علنی و قانونی حزب توده ایران، انتشار «مردم»، ارگان مرکزی حزب و ورود رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی را به همین، به کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه تبریک گفته و بار دیگر همبستگی خود را با حزب توده ایران و با مردم ایران، در مبارزه آنها به خاطر دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، ابراز داشته است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پاسخ خود، ضمن سپاسگزاری از کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، ابراز اطمینان کرده است که همبستگی برادرانه و سنتی بین حزب توده ایران و حزب کمونیست فرانسه تحکیم و گسترش خواهد یافت.

حقوق ملت ایران بازداشت. مبارزه شما راه را برای مبارزات سایر زحمتکشان و خلقهای این منطقه، که برای استقلال، آزادی و دموکراسی مصمصانه مبارزه می کنند، گشود. کارگران فرانسه اطمینان دارند که شما با چنین روحیه ای پیروزی خود را به آنها خواهید رساند. کارگران و زحمتکشان فرانسه همبستگی کامل خود را با کارگران ایرانی ابراز می دارند و برایشان آرزوی موفقیت دارند.

پس از قرائت این پیام توسط نماینده کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه، در پیام متقابل از جانب کارگران ایران گفته شد:

«کمیته تدارک برگزاری مراسم اول ماه مه، سپس خود را از کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه ابراز می دارد. ما معتقدیم که کارگران ایران برای مبارزه علیه امپریالیسم و استثمار داخلی، رسالتی تاریخی دارند و ما جهت تحقق این هدف به حمایت کارگران جهان نیاز داریم.

در این مراسم آنگاه قطعه نامه راهپیمایی به این شرح قرائت شد:

قطعه نامه جشن اول ماه مه

ما کارگران و زحمتکشان، که برای جشن اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان گرد آمده ایم، خواستهای خود را بشرح زیرین به اطلاع هموطنان، همه مبارزان انقلابی، همه کارگران و زحمتکشان می رسانیم، و همان طور که در انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی دموکراتیک مردم ایران، با قدرت تشکل و اتحاد خود، با نثار جان خود، شرکت کردیم، پیمان می بندیم که برای تحقق این خواستهای بحق و عادلانه، که هدفش دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان ایران، حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب، به پیش راندن انقلاب و نوسازی جامعه است، از هیچگونه فداکاری دریغ نوزیم.

ما به حضرت آیت الله العظمی خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران درود می فرستیم و پیمان می بندیم که زیر رهبری قاطعانه ضد امپریالیستی ایشان برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد پیکار کنیم.

زنده باد جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران!

درود به حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران

درود به حضرت آیت الله العظمی طالقانی مجاهد بزرگ انقلاب اسلامی ایران

زنده باد همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!

روز کارگر، به جشن عمومی

شماره در فضا طنین انداز بود:

- تاخون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست.
- برابری، برادری، حکومت عدل علی.
- کارگر حق پرست، دشمن در کمین است.
- کارگر، برزگر، اسلام حامی توست.

کارگران می آمدند. خیابانها طی می شد. این سوی و آن سوی، هزاران نفر در پیاده روها، بالکنها و پنجرهها، بارش گلاب و نقل، روز کارگر را به خواهران و برادران کارگر خود شادباش می گفتند.

وقتی این جمعیت کثیر به میدان امام حسین (فوزیه سابق) رسید، دو گروه عظیم دیگر، که از میدان رسالت (فرح سابق) در نارمک و میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) به حرکت درآمده بودند، در نزدیکی میدان بودند. میدان بزرگ و جمعیت موج می خورد و کارگران چهار گوشه متحد، که به میدان آمده بودند، شانه به شانه هم دادند. پیامها خوانده شد. در یکی از این پیامها زن کارگری گفت:

«سرماهداران پلید وابسته همیشه سعی می کردند به خاطر زن بودنمان، با وجود کارمندی، مزد کمتری بما پرداخت کنند.»

او در ادامه حرفهایش گفت:

«این شاه و سرماهداران وابسته به او بودند که من و تو را به عروسکهای بدل نمودند. به جای عروسک شدن، فکر کنید، به انقلاب فکر کنید، تا کشوری آباد و آزاد بسازیم. فکر کنید که زنان کارگر در روستاها با حقوق بسیار ناچیز میوهچینی و دهنه کار دیگر می کنند.»

او تاکید کرد:

«ما زنان مسلمان، همان گونه که در کنار برادرانمان در مبارزه علیه سلطنت پهلوی شرکت کرده و تاسرحد جان ایستادیم، اکنون نیز در کنار سایر برادران خویش تاسرحد جان در راه انقلاب اسلامی، که با خون کارگران و با خون آزاد مردان آبیاری شده خواهیم کوشید.»

قطعه نامه زیرین در این گروه آبی عظیم خوانده شد:

- تشکیل شورای مدیریت در کارخانهها با شرکت مؤثر نمایندگان به منظور برنامه ریزی صحیح تولید و توزیع و قیمت گذاری عادلانه کالا و جلوگیری از تضییع حقوق کارگران و جامعه.
- مبارزه با هرگونه توطئه علیه انقلاب پیروزمند اسلامی ملت ایران.
- جلوگیری از انهدام مؤسسات تولیدی مفید کنونی و تلاش برای بهره برداری از آنها با حداکثر ظرفیت تولید در حداقل زمان لازم
- تبدیل مؤسسات صنعتی و مونتاز به مؤسسات صنعتی مستقل با برنامه ریزی صحیح فنی و اقتصادی
- محو آثار هرگونه استثمار در جهت بهره مند کردن کامل کارگر از بازده کارش.
- برنامه ریزی جهت اشتغال کامل در سطح شهر و روستا و جلوگیری از بیکاری یا کم کاری آشکار و نهان
- دستنزد یکسان در مقابل کار برابر برای خواهران کارگر
- برابری مرخصی سالیانه کارگران با کارمندان
- ایجاد رفاه کارگران و خانواده آنان از طریق تامین مسکن و بهداشت و آموزش کافی.
- استفاده هرچه بیشتر از صدا و سیما ایران و دیگر وسائل آموزشی، برای بالا بردن سطح آگاهی کارگران در جهت فرهنگ اصیل انقلابی اسلام
- در پایان ما خواستار آنیم که روز کارگر در ایران روزی انتخاب شود که یادآور تلاش و مجاهدت خواهران و برادران کارگر ما در به نمر رساندن انقلاب عظیم اسلامی ملت ما باشد و نیز خاطره شهادت کارگران ما را در اذهان زنده نگه دارد، تعیین این روز با کمک و پیشنهاد خواهران و برادران کارگر ما خواهد بود.

از میدان سپه

جمع عظیم دیگری از کارگران به دعوت «کمیته برگزاری جشن اول ماه مه، سندیکای های مستقل و شوراهای کارگران کارخانجات تهران و حومه» از میدان سپه حرکت کردند. در پیشاپیش این جمع عظیم، که در صفوف منظم حرکت می کردند و صداهای پلاکات همراه داشتند، که در آنها خواستهای سیاسی و صنفی کارگران اعلام شده بود، پلاکات بسیار بزرگی حرکت داده می شد، که در آن همبستگی کارگران فرانسه با کارگران ایران اعلام شده بود. این جمع عظیم در خیابان فردوسی به حرکت درآمد.

در ابتدای صف، زنی که چادر سیاه بر سر داشت، روی سه چرخه دستی ایستاده بود که بر پشت صندلیش، عکس کارگر شهید محمد جانچانیان، که در روزهای خونین انقلاب، جان خود را برای رهائی خلقش از دست داد، دیده می شد. این زن از یک پا فلج بود، ولی با تمام اینها برای بزرگداشت این روز بزرگ، به راهپیمایی آمده بود.

در پلاکاتهای متعددی، شعارهای ضد امپریالیستی بچشم می خورد از جمله:

- ما خواهان لغو کلیه قراردادهای اسارت آور امپریالیستی هستیم
- ما خواهان شرکت مؤثر نمایندگان کارگران در تدوین قانون اساسی کشور و قانون کار هستیم.
- ما از استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنیم.
- دست امپریالیستهای آمریکائی از اقتصاد ایران کوتاه.
- زنجیرهای اسارت بار انحصارات را پاره کنیم.
- ما خواهان قطع نفوذ امپریالیسم آمریکا در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور هستیم.
- کارگران، که از ۴۳ سندیکا و واحد صنفی آمده بودند، عکسهای امام خمینی را در دست داشتند. کارگران در پلاکاتهای دیگری، خواستهای صنفی خود را اعلام کرده بودند:
- در مسیر، هزاران زن و مرد، در مقابل خانهها، ادارات، بانکها و بر بالکنها برای راهپیمایان ابراز احساسات می کردند و دست می زدند.
- در تمام مسیر اسلامبول و شاه آباد، که کارگاههای متعدد در آنجا واقع شده است، بر سر راهپیمایان گل و گلاب و نقل ریختند و صداهای نغمه فریاد زدند:
- نان، تحصیل - بهداشت
- بهره کشی از کار کودکان ممنوع باید گردد
- ما خواهان ۴۵ ساعت کار در هفته هستیم.
- ما خواهان تامین کار برای کارگران بیکار هستیم.
- ما خواهان ایجاد صندوق بیکاری هستیم.
- خواهان مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان هستیم.
- کارگر قهرمان، جشنت مبارک!
- گروه وسیع کارگران، در حالی که گروههایی از روشنفکران و دیگر قشرها و گروههای اجتماعی آنها را همراهی می کردند، در حالی که سرود می خواندند، خیابانها را پشت سر می گذاشتند و در صفوف طولانی آنها، نام دهها سندیکای کارگری دیده می شد.
- صف طولی کارگران، که می خواست به میدان امام حسین برود، از آنجا که ترافیک فشرده و راهها بسته بود، در میدان ابن سینا (دروازه شیران) تجمع کرد. در آنجا ابتدا پیام کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه خطاب به کارگران ایرانی خوانده شد.
- در پیام کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه، که توسط نماینده کنفدراسیون قرائت شد، گفته شده بود:
- احساسات آمیخته به خوشحالی طبقه کارگر فرانسه را به شما ابراز می دارم. کارگران و ترقی خواهان فرانسه با شور فراوان به پیروزی شما درود می فرستند و پیروزی شما را، که موجب سقوط دیکتاتوری شد، ارج می نهند. ما به شما، به خاطر استقامت در برابر رژیم دیکتاتوری و مبارزه در شرایط خونی این رژیم، تعظیم می گوئیم. کارگران و دموکراتهای ایران با مبارزه سرسختانه و قاطعانه خود استراتژی امپریالیسم را ناکام کردند و به آن شکست سختی وارد آوردند، آنچه در منطقه ای که شاه، دیکتاتور ایرانی موظف به تامین منافع امپریالیستها بود، مبارزه پیروزمندانه شما ضربه سنگینی بر نیروهای امپریالیستی، که قوشش می کردند خلقهای این سرزمین را...



زنده باد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با کارگران و زحمتکشان جهان!

ما خواهان تعقیب، محاکمه و مجازات عوامل رژیم سرنگون شده و عمال ساواک هستیم.

ما از تصمیمات دادگاههای انقلاب پشتیبانی می کنیم.

ما خواهان تصفیه ارتش و پلیس و زندانمرمی و دستگاه دولتی از عوامل رژیم سرنگون شده هستیم.

ما خواهان تامین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه خلقهای ایران هستیم.

ما خواهان لغو کلیه قراردادهای اسارت آور امپریالیستی هستیم.

ما آماده ایم در نوسازی جامعه فعالانه شرکت کنیم.

ما از همه جنبشهای انقلابی و آزادی بخش ملی در سراسر جهان پشتیبانی می کنیم.

ما از جنبش آزادی بخش خلق قهرمان فلسطین پشتیبانی می کنیم.

ما خواهان شرکت مؤثر نمایندگان کارگران در تدوین قانون اساسی کشور و قانون کار هستیم.

ما خواهان ملی شدن کارخانجات و مؤسسات تولیدی وابسته به سرمایه های خارجی و عمال داخلی آنها هستیم.

بقیه در صفحه ۸



چرا قرارداد دوه...

تعلل عنوان «بررسی» دادن و گفتن این که برای لغو قراردادهای سری نظامی مشغول «مطالعه» هستیم، نه انتظار مردم را برآورده می سازد، نه از شکستی و نگرانی آنها می گاهد. سند اسارت، سند اسارت است و پاره کردن آن نیاز به مطالعه و بررسی ندارد. اگر متن این قراردادها منتشر شود - و متن آنها باید منتشر شود تا مقیاس خیانت شاه مخلوع و رزیش عیان تر در معرض دید همگان قرارگیرد - آنگاه برای قاطبه مردم آشکارتر خواهد شد که کمترین درنگی برای لغو این قراردادها بهیچ عنوان توجیهی ندارد.

این تعلل با ماهیت انقلاب ایران سازگار نیست، زیرا ماهیت انقلاب ایران ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه است، و بر این مبنا حکم می کند، هر قراردادی که ایران را به کشور تابعی بدل ساخته، استقلال آنرا نقض نموده، بی درنگ ملغی اعلام گردد.

این تعلل با سیاست خارجی خود دولت نیز، که سیاست «عدم تعهد» اعلام شده و باید «عدم تعهد» باشد، وفق نمی دهد. اگر سیاست خارجی دولت «عدم تعهد» است پس حتی یک لحظه نیز نمیتواند بقای قراردادهایی را از قبیل قرارداد دوجانبه نظامی و یا قرارداد «احیاء کاپیتولاسیون» تحمل کند.

دولت، که با خروج از سنتو گام درست نخستین را به سوی استقلال و عدم تعهد برداشت، چرا کام و گامهای بعدی را به پیش بر نمی دارد؟

قرارداد دوجانبه نظامی ننگین و اسارت گر و همه قراردادهای سری نظامی یا امریکا باید منتشر و افشا گردند، همه آنها باید بی درنگ ملغی اعلام شوند، و همه مستشاران نظامی امریکائی - این ماموران پتنگون در ارتش ایران - باید از کشور اخراج گردند و قانون کاپیتولاسیون ملغی شود. این اقدامات که ضرورت انجام فوری آنها از آفتاب روشن تر است، هنوز به عمل نیامده اند. مردم با شکستی و نگرانی می خواهند بدانند چرا؟

ما موضوع را بی پرده و به نحوی قاطع مطرح کردیم، هم بدلیل آن که وجود آن با استقلال ایران مابینت دارد و هم بدلیل این که تعلل در لغو قراردادهای دوجانبه

تاریخ پیاموریم

آنچه غیر قانونی شدن حزب توده ایران نامیده اند یک توطئه جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است

با یوزی از خوانندگان گرامی، در این شماره بحث جاری تاریخ را قطع می‌کنیم و به یک موضوع روز می‌پردازیم. امیدواریم خوانندگان گرامی ضرورت امر را درک کنند.

چا دارد که این افسانه را بشکافیم و به بینیم چرا و چگونه حزب توده ایران به اصطلاح منحل، «غیر قانونی» اعلام شد و در پشت سر آن چه توطئه ضد ملی و خائنانه‌ای نهفته بود.

قبل از «غیر قانونی شدن»

طبق عادت و از روی تبلیغات رژیم سابق، تاریخ «غیر قانونی» شدن حزب توده ایران را از پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ به حساب می‌آورند. افسانه پردازان دربار پهلوی و سفارت آمریکا و سفارت انگلیس، این‌طور گفته‌اند که حزب توده ایران امکان یافته بود که به‌طور عادی و قانونی در ایران فعالیت کند و فعالیت می‌کرد، اما به سرش زد که علیه جان «اعلیحضرت» همایون، سوء قصد کند و از آن روز «غیر قانونی» شد. در حالی که در پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ در سرتاسر کشور - به‌جز تهران - حزب توده ایران عملاً «غیر قانونی» بود. کلوبهای حزب در همه شهرها سوخته، مسئولین حزبی دستگیر و یا تبعید شده بودند. روزنامه‌های حزبی تقریباً در همه شهرستانها مخفیانه فروخته و توزیع می‌شد.

هجوم اوباش، عشایر ارتجاعی مسلح، پلیس و ژاندارمری به سازمانهای حزب توده ایران، از تابستان ۱۳۲۵ آغاز شد. رهبری سیاسی و فرماندهی نظامی این‌هجوم و خشیانه را مستشاران آمریکائی ژاندارمری، و در رأس آنها، ژنرال شوارتسکف معروف به دست داشتند. (ژنرال شوارتسکف که در کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز نقش بسیار فعالی ایفا کرد).

ابتدا سازمانهای حزب توده ایران در جنوب کشور مورد هجوم قرار گرفت. عشایر مسلح، ایالت فارس را اشغال کردند. کلوبهای حزب را در شیراز و سایر شهرهای فارس به آتش کشیدند. با نظر دربار پهلوی و کابینه قوام، در شیراز حکومت محلی خوانین و فئودالهای مرتجع تشکیل شد، که پارتیک حکومت ملی آذربایجان و کردستان باشد. از این زمان سازمانهای حزب توده ایران در مناطق جنوب غارت شد و فعالین حزب مورد شدیدترین فشارهای غیر قانونی قرار گرفت و دیگر هرگز اوضاع به حال عادی برنگشت.

در خوزستان، دستاویز هجوم وحشیانه به حزب توده ایران، اعتصاب پرشکوه کارگران نفت در تابستان ۱۳۲۵ بود. این اعتصاب عظیم را شورای محله نوری کارگران و زحمتکشان ایران سازمان داد و حزب توده ایران آن را رهبری کرد. اعتصاب کارگران نفت بزرگترین برآمد ملی علیه شرکت انگلیسی نفت بود. برای سرکوب این اعتصاب، عشایر ارتجاعی خوزستان، ژاندارمری و پلیس و اوباش محلی تجهیز و مسلح شدند، قوای نظامی انگلیس نیز دخالت کرد. ۲۳ تیر ۱۳۲۵ اعتصاب کارگران به خون کشیده شد و به همراه آن همه کلوبها و سازمانهای شورائی متحده مرکزی و حزب توده ایران تارومار و اعضاء و فعالین آن کشته، زخمی، یا تبعید شدند.

از آن تاریخ، حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی در سرتاسر خوزستان، که ملک‌تعلق شرکت نفت انگلیس بود، عملاً «غیر قانونی» شد و امکان برای فعالیت علنی حزب نماند. در مازندران نیز هجوم به سازمانهای حزب از تابستان ۱۳۲۵ شروع شد. دربار و معلمین آنکلو آمریکائی‌اش، دست به انواع حادثه‌سازیها زدند، اوباش و سران مرتجع عشایر را مسلح و ژاندارمری آمریکائی را تجهیز کردند و سازمانهای حزب را در شمال کشور، به ویژه در مناطق کارگری شاهی، بهشهر، جالوس و غیره درهم کوبیدند.

توطئه سرکوب جنبش انقلابی ایران و جلوگیری از فعالیت علنی حزب توده ایران، با سرکوبی نهضت‌های ملی در آذربایجان و کردستان وارد مرحله نوری شد. در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ ارتش شاه، طبق نقشه و موافق

توصیه امپریالیسم امریکا و انگلیس، وارد آذربایجان و کردستان شد و سرتاسر این دو ایالت را به خاک و خون کشید، که خود موضوع جداگانه‌ای است.

از این زمان، ارتجاع در همه کشور آشکارا مسلط شد، روح انتقام‌جویی طبقاتی اوج گرفت. فئودالها، سرمایه‌داران بزرگ، نژادها و مختلسین، وابستگان به سیاست‌های امپریالیستی، که در دوران اوج جنبش انقلابی در وضع دشواری قرار گرفته بودند، اینک زنجیر گسسته به جان توده مردم افتادند. موجی از جنایت و غارت‌گری صحنه کشور را فرا گرفت. دهها هزار از فعالین و مسئولین حزب مورد شدیدترین آزارها قرار گرفتند. ژاندارمها و تفنگچیان فئودالها، دهقانان مبارزی را که گناهی جز مخالفت یا غارت‌گری فئودالی نداشتند، دستگیر کردند و بدون محاکمه زند، کشتند، زندانی و تبعید کردند. خانه و خرمن‌ها سوخته شد، خانمان‌ها بریاد رفت.

اینهمه جنایت، حتی موافق قوانین موجود هم، جرم و جنایت بود. اما آنجا که طبقات استثمارگر از منافع پلید طبقاتی خود دفاع می‌کنند، دیگر جانی برای قانون، و حتی قانونی که خود تصویب کرده‌اند، نمی‌ماند. استثمارگری که نفع طبقاتی خود را در خطر می‌بیند، صدبار بدتر و درزنده‌تر از پلنگ تیرخورده است.

آغاز توطئه امپریالیستی و ارتجاعی برای «غیر قانونی» کردن حزب توده ایران

به این ترتیب، پس از آذر ۱۳۲۵، حزب توده ایران فقط در تهران و یکی دو شهر دیگر فعالیت علنی و آزادی نسبی داشت و در سایر شهرستانها مقامات دولتی، به‌رغم قوانین موجود، از فعالیت علنی حزب جلوگیری می‌کردند و امیدوار بودند که حزب توده ایران زیر بار همین فشارها خفه شود.

در مرکز حزب، که هنوز فعالیت آزاد داشت، توطئه ارتجاع و امپریالیسم از درون حزب تدارک می‌شد، تا شاید بدون این‌که اقدامی رسمی علیه حزب به عمل آید، خود حزب از درون منفجر و منحل شود. شکست آذربایجان و کردستان و سرکوب سازمانهای حزب در سرتاسر کشور، زمینه مساعدی برای تدارک توطئه‌ای از درون حزب فراهم می‌کرد. برایا روحیه شکست و یأس، زمانی که دوستان نیمه‌راه جنبش دورنمای پیروزی را از دست داده راهی برای بازگشت و عقب‌گرد می‌جستند، موج ضد حزبی بزرگی در درون حزب پدید آمد و گردانندگان آن کوشیدند روحیه ارتداد و انحلال‌طلبی و فرار از جبهه را، به‌صورت یک جریان سیاسی سازشکارانه، سازمان دهند. همین جریان بود که پس از یکسال نبرد با شکست مواجه شد و چرک و خون و عفونت آن، به نام «انشعاب» خلیل ملکی و یارانش، از حزب طرد گردید.

پس از شکست توطئه در درون حزب، محافل امپریالیستی و ارتجاعی مجبور شدند نقشه‌های خود را رو کنند. زمره «غیر قانونی» اعلام کردن حزب توده ایران آغاز شد و رفته رفته قوت گرفت و در تابستان ۱۳۲۷ به مطبوعات راه یافت.

این در دورانی بود که حزب توده ایران از آزمایش تاریخ سربلند بیرون آمد، در برابر تمام فشارهای داخلی و خارجی مقاومت کرد، دوباره جان گرفت و موفق شد که در آغاز سال ۱۳۲۷، دومین کنگره خود را تشکیل دهد و وارد مرحله جدید و عالی‌تری از زندگی و رزم انقلابی شود.

در این زمان، یعنی تابستان ۱۳۲۷، اوضاع سیاسی کشور بسیار بفرنج بود. امپریالیست‌های آمریکائی و انگلیسی بر سر خسارمیان و بخصوص ایران در نبرد شدیدی درگیر بودند. امپریالیسم انگلیسی می‌کوشید مواضع قبل از جنگ خود را حفظ و تحکیم کند، ولی امپریالیسم تازه‌نفس امریکا قصد آن داشت که انگلستان را عقب براند و جای اصلی را اشغال کند. تسلط بر منابع نفتی ایران در مرکز این رقابت قرار داشت.

دو نیروی امپریالیستی آنکلو آمریکائی، با وجود رقابت و خصومت متقابل، در یک نکته توافق داشتند و آن این‌که: باید مردم ایران را سرکوب کنند و آزادی را از آنها سلب‌نمایند تا بتوانند کشور ما را میان خود تقسیم کنند. دخالت مردم ایران می‌توانست حسابهای آنان را برهم زند. از اینجا بود که به تناسب تشدید رقابت میان امپریالیستها، علاقه هر دو طرف به ایجاد محیط اختناق و برقراری دیکتاتوری نیز تشدید می‌شد. آن‌ها در این باره که دیکتاتوری حاکم چگونه برقرار شود و زمام اختیار آن در دست کدامیک از دو نیروی امپریالیستی باشد، اختلاف داشتند، اما در اصل برقراری دیکتاتوری اختلافی می‌انگاشت و وجود نداشت و هر دو احساس می‌کردند که استقرار دیکتاتوری باید از هجوم به حزب توده ایران آغاز شود.

ادامه دارد

از رژیم ضد ملی و استبدادی پهلوی، مرده‌ریگ بسیار شومی باقی است. منظور، فقط اقتصاد ایران، اجتماع آشفته، بی‌سوادی، بیماری، بیکاری و هزار قرارداد اسارت‌بار با امریکا و چندصد شنبه از بانکها و شرکت‌های چند ملیتی نیست. این‌ها را همه می‌بینند و همه می‌دانند (اگرچه آن‌هایی که باید تصمیمی در این باره بگیرند، دانسته خاموشند).

منظور، رسوبی است که از تبلیغات زیان‌بخش و ارتجاعی نیم قرن حکومت خائن پهلوی در اذهان عمومی مانده و برخی نظریات عمیقاً نادرست و خلاف مصالح ملی را، از روی عادت، در ردیف «بدیهیات» قرار داده است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها زهر تبلیغاتی ضد کمونیستی و از آن جمله، افسانه «غیر قانونی» بودن حزب توده ایران است. که از بس بلندگویان رژیم خائن پهلوی آنرا تکرار کرده‌اند، در بسیاری از اذهان ساده هم این تصور پدید آمده است که گویا حزب توده ایران، حداقل بنا به قوانین آن رژیم، «غیر قانونی» است. این تصور نادرست و ناقص است و قدرت گرفته، که حتی نخست‌وزیر دولت مسوقت و سخنگوی دولت هم آن را سکه نقد گرفته و گفته‌اند: «تا وقتی قوانین سابق درباره غیر قانونی شدن حزب توده ایران لغو نشده، به قوت خود باقی است».

همه کسانی که این گفته را شنیدند، برآشفندند که یک «دولت موقت انقلابی» چگونه ممکن است قوانین رژیم سابق را محترم بشمارد؟ چگونه ممکن است کسانی که زمام حکومت را از رژیم سابق گرفته‌اند و در مقام قدرت حاکم درباره اساسی‌ترین مسائل کشور، از دخل و تصرف در اموال دولتی گرفته تا فرماندهی نیروهای مسلح و مناسبات با کشورهای خارج و عزل و نصب وزیران و غیره تصمیم می‌گیرند و همه این‌ها را، که موافق قوانین رژیم سابق هر یک هزار حکم اعدام دارد، برای خودشان قانونی می‌شناسند، اما فعالیت عادی یک حزب مبارز ضد رژیم سابق، یک حزب ریشه‌دار پرسیاچه را، موافق قوانین رژیم سابق، هنوز «غیر قانونی» می‌دانند؟

این برآشفتنی حق است. حتی از نظر اخلاقی هم چا نداشت که مقامات دولت موقت از این در وارد شوند و رطب‌خورده منع رطب‌کنند. اما اصل مسئله این نیست. اصل مسئله این است که حزب توده ایران، حتی موافق قوانین رژیم سابق، هرگز «غیر قانونی» نبوده و آن رژیم خائن، پس از سال تمام، به‌رغم قوانین موجود، حزب توده ایران را «غیر قانونی» تلقی کرده و تنها به اتکای زور و قلدری با این حزب قانونی رفتار غیر قانونی کرده است. هرگز، در هیچ مرجع قانونی (و یا غیر قانونی)، قانونی علیه حزب توده ایران تصویب نشده و لذا این گفته که «تا وقتی قوانین سابق لغو نشده، به جای خود باقی است» و غیره، علاوه بر زور و یک عیب اخلاقی و سیاسی و قانونی و غیره، این عیب بزرگ را هم دارد که توخالی و مبتنی بر عدم اطلاع است. مقامات مسئول (که متأسفانه گاهی به حدکافی احساس مسئولیت نمی‌کنند) اسیر توهماتی هستند که رژیم سابق ایجاد کرده است. آن‌ها در طول زمان تحت تأثیر تبلیغات شوم رژیم قرار گرفته و عادت کرده‌اند که آن‌ها را که گردانندگان رژیم می‌گفتند، بپذیرند و طبیعی تلقی کنند، در حالی که در کشور ما انقلاب شده، رژیم سابق برافکنده و وقت آن است که مرده‌ریگ این رژیم را دور بریزیم، خود را از زیر بار تبلیغات زهرآگین آن‌ها سازیم و تفکری مستقل از خواست رژیم سابق پیدا کنیم.

باری، افسانه «غیر قانونی» بودن حزب توده ایران آتقدر از طرف رژیم سابق تکرار شده، که حتی مقاماتی که قاعدتاً باید بدانند، نمی‌دانند که خود این افسانه - حتی موافق قوانین رژیم سابق - غیر قانونی است.

اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی

در ماده ۲۵ از فصل هفتم قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مربوط به حقوق و آزادی‌های شهر و ندان اتحاد شوروی چنین آمده است: «شهروندان اتحاد شوروی حق پیروی از هر مذهبی را دارند و این حق به‌موجب قانون تضمین می‌شود. برانگیختن خصومت و نفرت در میان افراد جامعه به‌سبب معتقدات مذهبی ممنوع است.»

همه حقوق و آزادی‌هایی که در قانون اساسی برای شهروندان اتحاد شوروی تصریح گردیده، به‌وسیله ارگان‌های دولتی و اجتماعی تضمین شده و برای تحقق این حقوق و آزادی‌ها و برخورداری عملی شهر و ندان از آن‌ها همه‌گونه امکان فراهم می‌شود. آزادی مذهب و از آنجمله مذهب اسلام نیز به‌همین طریق برای همه مسلمانان اتحاد شوروی تضمین می‌گردد.

در اتحاد شوروی مراکز و انجمن‌های اسلامی دائرند که امور مساجد و اماکن دینی، و امور آموزش علوم دینی و سایر مسائل مربوط به امور مذهب اسلام به‌وسیله آنان اداره می‌شود. علاوه بر جمهوری‌های آسیای میانه و کازاخستان و آذربایجان، که سکنه آن‌ها مسلمانند، در استان‌ها و شهرستان‌های جمهوری فدراتیور روسیه مراکز آموزشی علوم الهی اتحاد شوروی و همچنین محافل روحانی این کشور، با مجامع روحانی کشور های اسلامی جهان ارتباط نزدیک دارند. طی سال‌های اخیر نمایندگان مجامع روحانی بسیاری از کشور

های اسلامی از مراکز و ادارات و مدارس اسلامی در اتحاد شوروی دیدن کرده و با فعالیت آن‌ها آشنا شده‌اند. هیئت‌های نمایندگی محافل روحانی اسلامی اتحاد شوروی نیز برای آشنائی با محافل و مراکز روحانی به‌بسیاری از کشورهای خارجه مسافرت می‌کنند.

در اتحاد شوروی، علاوه بر جمهوری‌های آسیای میانه و کازاخستان و آذربایجان، در بسیاری دیگر از استانها و شهرستانهای جمهوری فدراتیو روسیه مراکز روحانی اسلامی دایر است که به فعالیت‌های مذهبی اشتغال دارند. مثلاً اداره روحانی اسلامی اوفا یکی از قدیمی‌ترین مراکز اسلامی کشور است. در شهرهای لنینگراد، کوی بیشف، امسک، آستراخان، پرم محافل اسلامی وجود دارد. در این شهرها همچنین مساجد و اماکن مذهبی، که مسلمانان مراسم و فرائض دینی خود را در آن‌ها به‌جا می‌آورند، دایرند. بسیاری از رجال روحانی اتحاد شوروی برای کسب و یا تکمیل معلومات مذهبی به‌دانشکده‌های علوم الهی در کشور های اسلامی اعزام می‌شوند.

مراکز روحانی اسلامی اتحاد شوروی، علاوه بر فعالیت‌های آموزشی و اداره امور روحانی، دارای فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی هستند. هر ساله از طرف اداره نشریات، کتب مذهبی و تقویم

سال قمری برای مسلمانان منتشر می‌شود.

در سال ۱۳۵۶، به‌ابتکار اداره روحانی مسلمانان اتحاد شوروی، چاپ جدید کلام‌الله مجید، یا تیراژ زیاد در مسکو طبع و نشر گردید. از جانب مراکز روحانی اسلامی، مساجد و اماکن مذهبی اداره و مرمت می‌شوند و یا مساجد و اماکن‌نوسازی احداث می‌گردند، طی سالهای اخیر در شهرهای روستوف، گورکی، و ماگنتینو گورسک مساجد نوسازی ساخته شده، و مورد استفاده مسلمانان قرار گرفته است.

بدین ترتیب آزادی مذهب در اتحاد شوروی، که در قانون اساسی آن کشور تصریح گردیده - آنطور که از جانب محافل گوناگون وانمود می‌شود - به‌یچوجه جنبه صوری ندارد، بلکه مانند سایر حقوق و آزادی‌های جامعه، در زندگی روزمره مسلمانان این کشور عملی می‌شود و همه‌گونه امکان برای تحقق آن فراهم می‌گردد.

مردم ایران چشم‌په‌راه آنچنان...

مبث بیشتر، پارچه نقاشی و نقاشات، نظر باید در آن هنگام ما فرصت خواهیم داشت به‌شکل منحص درباره آن نظر بدهیم، ولی اکنون می‌خواهیم برخی نکات اساسی را متذکر طبع و قانون اساسی را آورد انقلاب است و باید بتواند بازتاب آن آرزوها و آرمان‌های باشد که انقلاب را برانگیزد. اگر چنین نباشد، سرخوردگی و خشم و واکنش منفی شدید ایجاد می‌کند.

قانون اساسی سابق، نتیجه سازش بی-افکار بورژوازی لیبرال ضعیف آتروزی و اثرالیت فئودال بود. بعدها خانواده پهلوی به این سند ناقص چند دستبرد زد و آنرا به‌پاره توجیه‌قانونی رژیم استبدادی تبدیل ساخت و برخی عبارات مبهم و چند معنی آن را هم به‌سبب دستکاری بود، به‌نفع قوانین ضد دموکراتیک به‌موجب تبدیل ساخت.

از جهت طرز افاده مسائل، قانون اساسی باید از عبارات قابل تغییر بیهیزد و چنان‌که در طرح تکلیف شده دیده شده، عبارات چندمعنی را نتواند که از آن هم‌چیز، حتی توجیه خودسری و بی-قانونی نیز درمی‌آید.

بنظر ما، برای اینکه قانون اساسی جدید، پایتیر قانونی که نظام ملی و دموکراتیک و خلقی باشد، باید نکات زیرین را در نظر گیرد:

- ۱. تعیین استقلال و حاکمیت کشور در زمینه سیاسی و اقتصادی
- ۲. تعیین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک به معنای وسیع امروزی کلمه
- ۳. نابرابری اقتصاد کشور در جهت منافع اکثریت خلق
- ۴. تعیین یونانی جامعه در جهت ترقی صنعتی، کشاورزی و فرهنگی
- ۵. تعیین رفاه عمومی زحمتکشان و پستی و فقری در زمینه کار و تحصیل و درمان و استراحت و مسکن و غیره
- ۶. دفاع از سیاست صلح، عدم‌تبعید و جماعت از جنبش‌های مترقی و جهانی

اخبار کارگری



شماره ۲۵ روز تحصن و ۵ روز اعتصاب غذا، در محل شرکت، کار خود را از سر گرفتند. تحصن و اعتصاب غذای ۱۵ نفر از کارگران به خاطر اعتراض به اخراج دسته جمعی آنها بود. مسئولان شرکت متوسک با این ادعا که وضع مالی شرکت مساعد نیست، کارگران را از کار منع کرده بودند، اما کارگران این ادعا را رد می کردند. آنها دلیل می آوردند که حتی در ایام اعتصاب همگانی شرکت بیش از یک میلیون تومان فروش داشته است، در حالی که تنها ۲۵ کارگر چرخ های آن را به گردش درمی آوردند. در ایام تحصن تلاش مکرر کارگران برای بازگشت بر سر کار و استفاده از طبیعی ترین حق خود، یعنی شاغل بودن بجای نرسید. آنها از ۵ اردیبهشت ماه مبارزه خود را با اعتصاب غذا ادامه دادند و سرانجام تصمیم گرفتند آنچه را که کارفرما از انجام آن سرباز می زد، به دست خود انجام دهند و با به حرکت درآوردن چرخ های تولید در کارخانه، مشکل خود را حل کنند. در روزهای اعتصاب غذا دو تن از کارگران بر اثر تحلیل قوایشان در بیمارستان بستری شده بودند. کارگران پس از بازگشت به کار، به ابتکار خود و به سرعت ماشین های خراب شده را تعمیر کردند و در میان شور و ولوله دیگر همکارانشان، حرارت کار و حرکت را به کارخانه خاموش و پژمرده باز گرداندند.

یکی از کارگران می گفت: «اگر منتظر (رئیس شرکت و سهامدار عمده) بار دیگر از کار زحمتکشان «متوسک» جلوگیری کند، این بار حتی یک کارگر در شرکت باقی نمی ماند.» کارگران داخل کارگاه دومه است حقوق دریافت نداشته اند. آنها اتمام حجت کرده اند که اگر دستمزد عقب افتاده آنها پرداخت نشود و اشکال تراشی ها ادامه یابد، این بار کارفرما با اعتصاب یکپارچه تری روبرو خواهد بود.

خواستهای کارگران پارک پرنس

کارگران متحصن پارک پرنس، بیستین روز تحصن خود را پشت سر گذاشتند. این کارگران از تمام گروه ها و سازمان های مترقی خواستند تا پشتیبانی خود را از خواست های بر حق کارگران اعلام کنند؛ بعضی از خواست های ۷ گانه کارگران متحصن به شرح زیر است: - کلیه کارگرانی که از تاریخ ۱۵ فروردین ۵۷ از شرکت اخراج شده اند تا پایان فروردین ماه ۵۸ باید از کلیه حقوق و مزایای که شامل کارگران شاغل شده است. بر خوردار شوند. - پرداخت تمامی حقوق یک ساعت کار اضافی کارگران، که از شروع کار تا زمان اخراج به جای ۸ ساعت، ۹ ساعت کار می کردند. - کارگرانی که در ماه دو جمعه اضافه کاری می کردند، با توجه به این که روزهای تعطیل مزد کار دوبرابر است، باید ماهیانه ۴ روز کار با حقوق و مزایا به این کارگران پرداخت گردد.

تشکیل اتحادیه کارگران چاپخانه

نخستین جلسه کارگران چاپخانه های تهران، روز پنجشنبه اول اردیبهشت تشکیل شد. این جلسه، که بیش از صد نفر از کارگران چاپخانه در آن حضور داشتند، در خانه کارگر برپا شد. ابتدا چند تن از کارگران با سابقه اتحادیه کارگران چاپخانه در باره شرایط سخت سال های گذشته صحبت کردند و ضرورت تجدید انتخاب هیئت مدیره اتحادیه و تهیه اساسنامه نوین را گوشزد کردند. در این جلسه همچنین اعلام شد، «با این که کارهای چاپی این روزها بازار گرمی دارد، اخراج کارگران چاپخانه ها هر روز تکرار می شود. با ایجاد اتحادیه می توان جلوی این اخراج ها را گرفت.» جلسه با معرفی نمایندگان منتخب هر چاپخانه، به هیئت موسس ۱۵ نفره اتحادیه کارگران چاپخانه ها خاتمه یافت.

انتخابات سندیکای آزاد

کارگران شرکت نفت قائم شهر «شاهی سابق» و ساری، طی بیانیه ای کارکنان آنها و توسط چینی های کارفرما و نمایندگان سندیکای فرمایشی سابق را به شدت محکوم کردند. این کارگران اضافه می کنند: دولت با وجود این که رسماً انحلال این گونه سندیکاهای را اعلام نموده، حسابداری شرکت نفت، ماهها است که حق عضویت از حقوق کارگران کسر می کند. این کارگران سپس به اعمال نظر کارفرما و عمالش اشاره می کنند و از امام خمینی و آیت الله طالقانی می خواهند، دستور عزل کامل نمایندگان سابق را برای همیشه صادر کنند. این کارگران از دولت و کمیته ها خواسته اند، برای نظارت بر انتخابات آزاد سندیکا نمایندگان خود را به قائم شهر بفرستند. در پایان بیانیه آمده است: ما کارگران از اداره کار قائم شهر می خواهیم که مهلت انتخابات جدید را یک ماه، پس از اعلان های رسمی و غیر انحصاری، تعیین کند.

اعتراض کارگران کارخانه جنرال موتورز ایران

از کارخانه جنرال موتورز ایران خبر می رسد که چند روز پیش کارفرما تصمیم می گیرد که شیفت دوم (شبانه) را تعطیل کند و همه کارگران در شیفت اول (روزانه) کار کنند. این تصمیم با اعتراض و مخالفت شدید کارگران مواجه می شود. کارگران شب کار اظهار می دارند که ما به علت کمی دستمزد، که به هیچ وجه کفاف مخارج زندگی محقر خود و خانواده مان را نمی دهد، مجبوریم روزها در محل دیگری کار کنیم و با این تصمیم در واقع یکی از دو محل کار را از دست خواهیم داد. کارگران درخواست می کنند که با این تصمیم (لغو شیفت

شبانه) لغو شود و یا به دستمزد کارگران افزوده گردد. به طوری که دیگر نیازی به کار در دو محل نداشته باشند. سرانجام در نتیجه اعتراض و فشار کارگران، کارفرما مجبور می شود از تصمیم خود منبئ بر لغو شیفت شبانه دست بردارد. اما این پرسش همچنان برای کارگران باقی می ماند که چرا حد اقل زندگی آنها را در ازای هشت ساعت کار تا همین نمی کنند تا مجبور نباشند با دوبار کار در شبانه روز، جان خود را در ازای نان بخور و نمیری بفرروشند و در سنین جوانی به پیری زودرس دچار شوند.

در ضمن کارگران از این که شورای موقت کارخانه در جریان اعتراض آنها هیچ اقدامی به نفع کارگران انجام نداده است، گلدارند و می پرسند که پس نقش این شورا چیست؟

گزارشی از تحصن در کانون کارآموزی خراسان

کانون کارآموزی استان خراسان در فلکه فردوسی مشهد واقع است. در این کانون حدود ۴۰۰ کارگر، کارآموز و دانش آموز به طرز شبانه روزی زندگی می کنند. کانون دراصل به منظور سرپرستی از افراد بی سرپرست به وجود آمده و قرار بر این است که این افراد پس از طی یک دوره کارآموزی یکساله و دریافت گواهینامه، وارد اجتماع شوند. اما به علت کمبود وسایل آموزشی کارگاهی و مددکار و غیره، عملاً آموزش جدی وجود ندارد. بهر کارآموز ماهانه صد تومان پرداخت می شود. کیفیت غذا بسیار بد است. از آنجا که وسایل ورزشی و تفریحی در اختیار کارآموزان قرار ندارد مهم ترین سرگرمی آنها «تیله بازی» است. تا این اواخر یک کتابخانه کوچک و فقیر در کانون وجود داشت، که به تازگی آن راهم تعطیل کرده اند و بر نارضایتی کارآموزان افزوده اند. در کانون عملاً کاری به کارآموزان یاد نمی دهند و در نتیجه کارآموزان از این که وارد اجتماع شوند، بیم دارند و ترجیح می دهند شرایطشوار کانون را تحمل کرده، بمانند. اما ماندن در کانون نیز با آن شرایط سخت و نبودن وسایل و امکانات زیست، خالی از خطر نیست. همین چندی پیش بود که زنی در کانون کارآموزی شماره ۴ از سرما خشک شد و مرد و یا یکی از بچه ها، که غش کرده بود، آنقدر بحال خود واگذاشته شده بود، که موقعی که رفقایش متوجه او شدند، مرده بود. در گذشته، در زمان رژیم سابق، کارآموزان دو بار اعتصاب کرده بودند، که نتیجه ای نداده بود. این بار به عنوان اعتراض به ادامه همان شرایط غیر انسانی و سخت در شرایط پس از انقلاب، ناگزیر در روز ۱۸ فروردین دست به اعتصاب و تحصن زدند. متأسفانه مقامات مسئول دولتی و حتی استاندار خراسان به خواست های کارآموزان توجهی نکردند و حتی آنها را «دشمن انقلاب» نامیدند. تحصن و اعتصاب نتیجه نداد، اما شورای ۱۵ نفری کانون در پی آن است که به طرق دیگر برای برآورده شدن خواست های چهارماده ای کارآموزان باز هم تلاش کند.

خواستهای کارآموزان به قرار زیرین است:

۱. رسمی نمودن کارگران پیمانی.
۲. افزایش پول توجیبی کارگران و کارآموزان و محصلین.
۳. تصفیه کامل کارمندان و دفتریها زیر نظر شورای کانون.
۴. بازگشت سریع مسئول سابق کتابخانه کانون و بازگشائی مجدد کتابخانه.
۵. مجهز نمودن کارگاه ها به وسایل آموزشی و ایمنی کارآموزان.
۶. رسیدگی بوضع کودکان (آوردن مربی، مددکار و پرستار) برای آنها.
۷. اختصاص دادن سود کارگاهها به کارآموزان.
۸. پرداخت عیدی به کلیه کارگران و کارآموزان و محصلین همانطوریکه به کارمندان کانون حقوق و مزایا و عیدی پرداخت گردید.
۹. رسیدگی بوضع بزرگان و جوانان از لحاظ شغل - مسکن - سرمایه جهت ورود به زندگی در جامعه.
۱۰. رسیدگی به وضع کلیه آسایشگاه های کانون.
۱۱. رسیدگی کامل به وضع پوشاک - تغذیه و بهداشت کانون.
۱۲. در اختیار گذاشتن کلیه امکانات ورزشی و ترتیب دادن برنامه های تفریحی برای کارگران - کارآموزان و محصلین.
۱۳. آوردن مشاور و مددکار و مدیر داخلی برای کانون (برکناری مدیر داخلی کنونی کانون).
۱۴. انحلال برخی از کارگاهها که مفید تشخیص داده نمی شوند زیر نظر شورای کانون.

گزارشی از کشت و صنعت کارون

جمع کارکنان ۷۰۱۶ نفر: کارمندان ۸۶۷ کارگران دائم ۴۵۳۷ کارگر موقت ۱۶۲۲ کارگران این کارخانه در دویوش صنعتی و کشاورزی مشغول کارند، که تعداد کارگران کشاورزی بیشتر و وضع آنها بدتر است. این کارخانه بین دو شهر دزفول و شوشتر قرار دارد، که کارکنان آن اکثراً از این دو شهر و روستاهای بین این دو شهر هستند. البته درصد بالایی از کارگران را روستائیان تشکیل می دهند.

رفت و آمد کارگران به وسیله تریلرهای سروشیده انجام می گیرد، که در تابستان های سوزان خوزستان مشکلات فوق العاده زیادی در بردارد. از وسایل رفاهی و ایمنی اصلاً حرفی در میان نیست. محیط کارخانه کاملاً غیر بهداشتی است و در کارخانه ای به این بزرگی از درمانگاه راستین خبری نیست، بلکه فقط اتاقی با مقداری دارو بدون پزشک واقعی وجود دارد.

وضع کارگران: همانطور که در بالا آمد، کارگران این کارخانه بیشتر از روستاها بوده و از لحاظ آگاهی فوق العاده در سطح پایینی بسر می برند و حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند. به همین علت در استمار شدید کارفرمایان قرار دارند.

کارگران این کارخانه گویا ۸ ساعت کار قانونی می کنند، که مدت رفت و برگشت و ساعت غذا خوردن آنها خارج از این ۸ ساعت است، اما اضافه کاری در این کارخانه اجباری است. (حتی برای کارمندان) و روزهای جمعه هم باید اجباراً کار کنند. حقوق کارگران ساده روزی ۳۵ تا ۴۵ تومان است، که با کسر مالیات و بیمه، بازم کم تر می شود و با توجه به زیاد بودن فرزندان این کارگران، این حقوق به هیچ جای آنها نمی رسد. کارگران از وسایل ایمنی کار از جمله کفش، کلاه، کمربند و لباس محرومند. کارگران در تابستان ها، که حرارت ۵۰ درجه خوزستان طاقت فرسا است، در زیر آفتاب سوزان باید کار کنند. باز بودن فضای کارخانه و کار کردن زیر آفتاب مشکلات جسمانی زیادی برای کارگران به وجود می آورد.

از لحاظ بیمه، کارگران بیمه خدمات درمانی هستند و نمی توانند به دکترهای خصوصی مراجعه بکنند و تنها مراکز بهداشتی آنها را پذیرا هستند.

سلف سرویس نامناسب، با وضع بد غذا و گرانی آن، باعث شده که کارگران با خود غذا بیاورند و از این نظر هم مشکلاتی داشته باشند. لازم به یادآوری است که برای کارهای کشاورزی، از کودکان کمال برای کشت استفاده می شود.

کارفرمایان: سهامداران این کارخانه از عمال دربار پهلوی بودند و دست نشاندهگان آنها کارخانه را زیر نظر داشتند، که حقوق های کلان و مزایای فوق العاده آنها سر بهدها هزار تومان در ماه می زدند. برای مثال روسای بخش های مختلف این کارخانه حقوق های حتی ۳۶۰۰۰۰ تومانی و بیشتر، که مستقیماً از مرکز می آید، دریافت می کنند. کارگران این کارخانه در مهرماه گذشته یک اعتصاب ۳۵ روزه کردند، که با مخالفت شدید کارفرمایان روبرو شدند. این اعتصاب برای خواستهای اقتصادی بود، اما مخالفت کارفرمایان لطبات شدید مالی به کارخانه وارد آورد، حتی به مرحله تعطیل دائمی شرکت رسید که تصمیم گرفته شد بعضی خواست های جزئی کارگران را بپذیرند.

گزارشی از کارخانه قند و تصفیه شکر دزفول

کارخانه قند و تصفیه شکر دزفول: تعداد کارکنان ۲۶۰ نفر، استخدام رسمی (۲۳۰ نفر کارگر) و ۱۲۰۰ نفر استخدام پیمانی (۱۱۵۰ نفر کارگر) سهامداران: خاندان پهلوی و عمال درباری که توسط ایادی خود کارخانه را اداره می کردند، ولی به علت زدنی های کلان، طرحها و برنامه های این کارخانه با شکست روبرو شد و بعد از سردرگمی و نابسامانی های بسیار، کارخانه به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تحویل داده شد.

نکاتی چند در مورد کارخانه: کارخانه در ۳۵ کیلومتری دزفول بنا شده و ۹۰ درصد کارگران آن را روستائیان اطراف تشکیل می دهند. این کارگران همان کشاورزان سابق هستند، که در اثر ورشکست کشاورزی در سطح مملکت، به این کارخانه رو آوردند و بازده کارشان خیلی پایین تر از سابق است.

رفت و آمد کارگران تنها به وسیله دو مینی بوس و دو جیب انجام می گیرد. محیط کارخانه غیر بهداشتی است و از نظر رفاهی کاملاً عقب مانده است. کارخانه فاقد درمانگاه، دارو و هرگونه وسایل بهداشتی است.

وضع کارگران: اکثر کارگران کارخانه روستایی هستند و حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند و از لحاظ آگاهی سیاسی در سطحی پایین قرار دارند، به همین علت بالاترین درجه استمار بر این کارگران وارد می شود. کارفرمایان برای پیشبرد کار خود کارگران را به اضافه کاری های اجباری و بدون حقوق وامی دارند به طوری که کارگران به جای ۸ ساعت کار قانونی، بالاچار ۱۲ ساعت کار می کنند و حتی جمعه ها مجبورند کار کنند و هرگونه اعتراضی با تهدید به اخراج سرکوب می گردد.

حقوق کارگران روزانه ۴۲ تومان است، که با کسر کردن ۱۲ درصد مالیات و بیمه برای مخارج زندگی خانواده های پرجمعیت آنها، بسیار ناچیز است.

هیچ گونه وسیله ای از جمله کفش، کلاه، کمربند، لباس و سایر وسایل ایمنی در اختیار کارگران قرار نمی گیرد و به همین دلیل در این مدت کوتاه عمر کارخانه، تا بحال ۸ نفر از کارگران از ارتفاعات سقوط کرده و کشته شده اند. متأسفانه خانواده این کارگران هم اکنون بی سرپرست مانده اند و هیچگونه حقوق و مستمیری از طرف کارفرما دریافت نمی کنند.

کارگران از تغذیه سالم محرومند و کارفرمایان هیچ گونه اقدامی در این مورد برای آنها نکرده اند. کارگران این کارخانه در واقع از همه حقوق صنفی و سیاسی محرومند.

وضع کارفرمایان: کارفرمایان همگی عمال سرمایه داری اند و از مرکز منصوب می شوند. اینها با حقوق روزانه ۱۰۰۰ تومان و وامسکن های مدرن، با تمام وسائل رفاهی و بهداشتی و همسفر اتومبیل های گرانقیمت، زندگی می کنند. این افراد در هفته تنها سه روز به کارخانه سری می زنند و به اصطلاح سرکشی می کنند و بقیه اوقات خود را صرف کارهای دیگرشان می کنند.

اینها با دریافت حقوق های کلانی که بابت جق مأموریت می گیرند، در تهران و شمال در ویلاهای خود به خوشگذرانی مشغولند. وضع تولید: این کارخانه قرار بوده که در سال ۱۳۵۵ قند و شکر تولید کند، اما اکنون که ۱۳۵۸ است، هنوز به مرحله تولید نرسیده است و هرچ و مرج و بی برنامه گی در کار کارخانه بوضوح به چشم می خورد.

تحصن کارکنان هتل بین المللی تهران

در سومین روز تحصن، ما کارکنان اخراجی هتل بین المللی تهران تقاضای خود را برای چندمین بار با کارفرما در میان نهادیم لکن هیچ کدام از آنها مورد موافقت کارفرما قرار نگرفت. کارفرما، مهدی باتمان قلیچ سرمایه دار معروف وابسته به دربار منحوس پهلوی است که در اوج انقلاب مردم ۳۵۰ نفر را که حد اقل چند سال متوالی در آن مؤسسه کار می کردند به حال خودشان رها کرد.

ما گفتار آقای باتمان قلیچ در مجلس کذائی محمدرضا پهلوی را در سال ۴۷ هنوز به خاطر داریم که می گفت من به اندازه خاک سوس ملک دارم. آن درآمدهای هنگفت که ماهانه اغلب بیش از ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بود در کدام بانک خارجی انباشته است، ما کارکنان اخراجی از تمام نیروهای ملی و دموکراتیک خواستاریم حمایتشان را از ما دریغ نوززند.

خواست های ما:

۱. گشایش مجدد هتل و بازگشت کلیه کارکنان اخراجی به سرکار.
۲. پرداخت تمامی حقوق و مزایای عقب افتاده کارکنان.
۳. افزایش حقوق کارکنان با توجه به هزینه سرسام آور زندگی.
۴. تقلیل ساعات کار به ۴۸ ساعت در هفته.
۵. پاکسازی هتل از عوامل مزدوری که در دوران خفقان همواره عامل سرکوب و استمار هرچه بیشتر ما کارکنان بودند.

شورای کارکنان اخراجی هتل بین المللی تهران

از کمک شما سپاسگزاریم

از دوستان گرامی زیرین به مناسبت کمک مالی به حزب صمیمانه سپاسگزاریم:

دوست گرامی شماره ۹۳۴۳۷۳۷۷ ۱۰۰ هزار تومان
دوستان گرامی آقای شاهین و بانو ۵۰۰ تومان
شماره ۳۵۳۲۸۰ ۲۰۰ هزار تومان

بقیه در صفحه ۶

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی مردم است، به کاراندازند.

برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حلدشواری ما مشکل می سازد، وظائف شورای انقلاب و سازمانها، گروهها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد. در این شرایط، مهم ترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که: اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، د

تختی قهرمان مردم

به مناسبت سالگرد شهادت تختی



روزی که مطبوعات ساواک زده، خیر «خودکشی» جهان پهلوان تختی، این ورزشکار محبوب مردم را پخش کردند، حتی مأمورین ساواک هم بدین دروغ شاهوار، باور نداشتند.

غلامرضا تختی از زمره آن ورزشکاران ایرانی بود که جاه، مقام و صله‌های دربار پهلوی را با مهر مردم مبادله نکرد و همواره در صف مردم و برای مردم زیست.

دربار پهلوی و دستگاه غریب و طولیل ورزشی‌اش چون توانست جهان پهلوان را به پایبوسی و چاپلوسی بکشد و چون دید روز به‌روز بر محبوبیت او افزوده می‌گردد، تصمیم به نابودی این رامهرزد گرفت. مرگ مرموز تختی، حتی در آن شرایط مرگبار خفقان نتوانست از انظار مردم پوشیده بماند، تا جایی که کیهان ورزشی در باره مراسم تشییع جنازه او نوشت:

«صورت و چهره خنده‌روی او، در خالی که دستش را به‌عنوان قدرانی بلند کرده بود و یک‌کمی بالاتر از تابوت دیده می‌شد... مثل این که می‌خواست چیزی بگوید... شاید هم داشت قاتلین خود را معرفی می‌کرد.»

مرگ تختی نه فقط ورزشکاران و علاقه‌مندان به ورزش را متأثر ساخت، بلکه مردم میهن پرست و زحمتکش را در اندوهی عمیق فرو برد. تظاهر این اندوه را می‌توان در سوگ تختی دید. حتی روزنامه اطلاعات تحت سانسور شدید ساواک نتوانست از کنار این حقیقت بگذرد:

«عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تاکنون هرگز سابقه نداشته و تجلیلی که از قهرمان ملی گردید، خارج از حد معمول و انتظار بود.»

امسال، در بهار آزادی، مردم حق‌شناس تهران بر مزار تختی جمع شدند، تا با قهرمان بیکارجوی خود تجدید عهد کنند. یادش گرامی باد.

از صنایع ذوب آهن...

تومان خواهد رسید، در این مرحله علاوه بر اینکه کارخانه کاملاً اقتصادی و سودده خواهد بود، معادل همین رقم نیز ارزش صرفه‌جویی خواهد گردید.

با توجه به مطالب فوق آیا کشوری که در سایه انقلاب مردمی می‌خواهد درجهت اقتصادی سالم و با ثبات و استقلال‌صنعتی حرکت نماید، سزوار است این چنین به‌ناحق صنعت مادر را، که هنوز در ابتدای راه است، تهدید به‌تعلیل و کارکنان زحمتکش آن را سرکوب نمود؟ با قبول این اصل که هیچ مملکتی بدون، صنایع فولاد و تولید ورق نمی‌تواند از صنعت موتاثر با فزاینده و دست استعمار را قطع نماید، اهمیت توسعه مراحل بعدی ذوب آهن به‌منظور تولید ورق بیشتر روشن می‌شود، ضمن این که نقش ذوب آهن بعنوان یک صنعت بزرگ و مادر در تشکیل قطبهای اقتصادی قابل توجه و تاثیر این قطب بر روی محیط و صنایع اطراف خود موجب رشد سریع اقتصادی آن منطقه می‌گردد.

لذتی است که در انتقام نیست! قراردادهای اسارت آور را نمی‌توان به‌یکباره پاره کرد، باید حوصله کرد! مستشاران امریکائی، یعنی جاسوسان امپریالیسم را نمی‌شود به‌یکباره بیرون ریخت، باید بخشی از آنرا نگه‌داشت و بخشی دیگر را برگرداندا قراردادهای اسارت‌آور و جنایات شاه را نمی‌توان بر ملا کرد! مؤسسات صنعتی، مالی و کشاورزی متعلق به وابستگان به‌رژیم و امپریالیسم را نمی‌شود ملی کرد! باید به آن‌ها امکان داد و حتی کمک کرد که به‌غارت‌گری بی‌بند و بار ثروت‌های ملی و حاصل دسترنج زحمتکشان ادامه دهند!

ارتش را باید هرچه زودتر به‌دست همان افسران دست‌نشانده رژیم‌شاه بازسازی کرد، تنها به‌شرط این که تعهد خدمت به‌جمهوری اسلامی بپایانند! حتی ساواک را دوباره بصورتی برای مردم قابل هضم ساخت! اقتصاد کشور را تنها از راه کمک‌های مالی به‌سرمایه‌داران و کارخانه‌داران می‌توان به‌راه انداخت! به‌مؤسسات متعلق به انحصارهای جهانخوار امپریالیستی نمی‌شود دست‌زده! آزادی را نمی‌شود به‌همه داد! قوانینی که رژیم خیانت‌پیشه پهلوی علیه آزادی وضع کرده، در مورد آن نیروها و سازمان‌های سیاسی که طبق سلیقه زمامداران عمل نکنند، به‌قوت خود باقی است! احکام جنایت‌بار علیه مبارزان انقلابی که پنجاه سال با رژیم پهلوی جنگیده‌اند، به‌قوت خود باقی است! قرارداد کاپیتولاسیون با استعمارگران امریکائی هم به‌قوت خود باقیست!

کوتاه سخن، این خط سازشکارانه، که در مقابل خط انقلابی قد علم کرده و هر روز بیشتر شکل می‌یابد و متبلور می‌شود، خطی است در جهت جلوگیری از گسترش انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و دموکراتیک مردم، خطی است در جهت تبدیل رژیم وابسته به‌رژیم «نیمه وابسته» به‌امپریالیسم، خطی است در جهت برگرداندن دستاوردهای انقلاب.

البته هنوز هیچ سازمان سیاسی بطور روشن این برنامه سازشکارانه و تسلیم-آمیز را مطرح نکرده، زیرا هنوز جرئت مطرح کردن آنرا ندارد، ولی این خط از لابلای سمت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی که نماینده جناح راست جنبش هستند و با طبقات حاکمه سابق، یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته به‌امپریالیسم و رژیم پیوند وابستگی دارند، خوانده می‌شود. این راهم باید عمیقاً مورد توجه قرار داد که این نیروها در بسیاری موارد با شعارهایی به‌کلی فریبنده، که هدفشان گمراه کردن خلق است، وارد میدان می‌شوند و دست به‌تبدیلات عوام‌فریبانه دامنه‌داری زده‌اند تا از احساسات و اندیشه مترقی مردم به‌سود پیشبرد مقاصد خویش استفاده کنند.

ضد انقلاب داخلی و خارجی، یعنی جاسوسان و عمال امپریالیسم، ساواک‌ها و ساواک زده‌ها، که هنوز پایگاه‌های مهمی را در دستگاه دولتی و اداری اقتصادی کشور در دست دارند، و با استفاده از عدم هشیاری کامل نیروهای انقلابی توانسته‌اند حتی در ارگان‌های اجرائی جنبش انقلابی رسوخ کنند، می‌کوشند با تمام نیرو، با ایجاد بلوا و آشوب در این گوشه و آن گوشه کشور، با خرابکاری در چرخ‌های اقتصادی، با ایجاد دشواری‌های جدید از راه احتکار، گران کردن قیمت‌ها، با ایجاد نفاق و بدبینی و دشمنی درمیان نیروهای انقلابی، راه را برای پیشرفت این خط سیاسی سازشکارانه و تسلیم‌آمیز باز کنند.

این نیروها با زبردستی و با کمک عناصر خود، در همه‌جا می‌کوشند از کوچک‌ترین نارسائی‌ها و اشتباهات فرعی در صفوف نیروهای انقلابی، در کار سپاه پاسداران انقلاب، در کار دادگاه‌های انقلابی استفاده کنند، از گاهی کوهی بسازند و با توپخانه سنگین علیه این مواضع اصلی انقلاب آتش کنند.

جالب توجه است که چگونه تمام تبلیغات جهان امپریالیستی در این زمینه همیشه یار و پشتیبان آن‌ها است.

موقعیت دولت

در میدان برخورد این دوخط سیاسی، یعنی خط خلق انقلابی و خط سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ دولت کنونی قرار دارد. اقدامات دولت موقت را، از آغاز تاکنون، به‌طور کلی ناپی‌گیر و غیر قاطع می‌توان ارزیابی کرد. با این ویژگی، که جنبه‌های محافظه‌کارانه و تسلیم‌آمیز آن هر روز شدت می‌یابد.

درست است که دولت با مشکلات عظیمی در زمینه بازسازی زندگی اقتصادی کشور روبه‌رو است؛ درست است که دولت کادر کافی و آزموده برای اداره همه مؤسسات از هم‌گسخته ندارد؛ درست است که دولت موقت اقداماتی انجام داده که در جهت خواست جنبش انقلابی مردم است (مانند پایان دادن به‌فعالیت کنسرسیوم نفت، خروج از پیمان سنتو، اخراج بخش عمده کارشناسان امریکائی، لغو بخش عمده‌ای از سفارش‌های تسلیحاتی به‌کشورهای امپریالیستی، پایان دادن به‌فعالیت جاسوسی امپریالیست‌های امریکائی علیه کشورهای همسایه و برخی اقدامات دیگر) که همگی مورد پشتیبانی کامل نیروهای میهن‌پرست می‌باشد. ولی در مقابل این اقدامات، هم در زمینه سیاست داخلی و هم در زمینه سیاست خارجی، ناپی‌گیری‌ها و در موارد بسیاری موضع‌گیری‌های دولت در جهت خط دوم، یعنی خط سازشکارانه، بطور چشم‌گیری جلب توجه می‌نماید.

آقای نخست‌وزیر بطور روشن مخالفت خود را با یکی از عمده‌ترین دستاوردهای انقلاب، یعنی وجود و عمل سپاه پاسداران انقلاب و دادگاه‌های انقلاب بیان می‌دارد و در این میدان خود را از جنبش انقلابی جدا می‌سازد.

آقای نخست‌وزیر در زمینه توسعه اقتصادی کشور، با تکیه نامتناسب به‌مشکلات موجود که قابل انکار نیست - از سمت‌گیری مشخص در جهت ریشه‌کن ساختن اقتصاد وابسته به‌امپریالیسم دوری می‌جوید و بدین ترتیب خود را از جنبش انقلابی جدا می‌سازد.

آقای نخست‌وزیر برای حل مسائل اقتصادی مردم، تقریباً به‌طور یکطرفه روی تقویت سرمایه‌داران تکیه می‌کند و به‌لزم حل مشکلات از راه خلقی آن، یعنی راه تکیه به‌نیروی خلاقه کارگران، مهندسیین و کارمندان و مدیران میهن‌پرست و ملی هیچگونه توجهی ندارد.

سخن کوتاه، دولت موقت می‌کوشد، کمی موفقیت خود را منحصرأ بر پایه‌مشکلات اقتصادی، خواست‌های غیر منطقی زحمتکشان، مشکلات ناشی از فعالیت نیروهای انقلابی و برخی رهنمودهای غیر واقع‌بینانه! امام‌خمینی توجیه کند. در صورتی که برخورد درست به‌کار دولت همه میهن‌پرستان راستین را به‌این نتیجه می‌رساند که عدم موفقیت دولت موقت در حل مشکلات، بیش از هر چیز دیگر محصول سمت‌گیری غیر انقلابی، نداشتن نقشه هم‌جانبه‌خلقی برای حل مشکلات است.

اگر دولت برپایه خط انقلابی، که مورد پشتیبانی اکثریت شکننده مردم است، نقشه‌های کوتاه مدت و دراز مدتی را ارائه دهد، نقشه‌هایی که نه تنها با وعده‌های پرطمطراق و بدون محتوا، بلکه به‌طور روشن وقایع‌کننده به کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و روشنفکران و کارمندان و سرمایه‌داری کوچک و متوسط راه برون رفت از وضع بحرانی کنونی و رسیدن به‌خواست‌های خفقان را نشان دهد و اقدامات فوری و طولانی ضرور را مطرح سازد، نمیتوان تردید داشت که مورد پذیرش و پشتیبانی همه نیروهای اصیل و میهن‌پرست و هوادار پیشرفت قرار خواهد گرفت.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ضد انقلاب به‌دست عناصر خود در دستگاه دولتی، در ارتش و سایر نیروهای انتظامی می‌کوشد در راه عملی شدن یکی از عمده‌ترین ضرورت‌های تحکیم انقلاب، یعنی تصفیه این دستگاه‌ها از کارگزاران و وابستگان رژیم فاسد و ساواکی شاه کارشکنی نماید.

ضد انقلاب می‌کوشد با وارد کردن عناصر خود در صفوف نیروهای انقلابی، با ایجاد دسته‌ها و گروه‌های ضد انقلابی با ظواهری مردم فریب، گاه با رنگ‌های مذهبی افراطی و گاه با شعارهای ماوراء چپ انقلابی، در راه نزدیکی نیروهای راستین انقلابی سنگ اندازد و این نیروها را علیه هم تحریک کند و به‌خود مشغول دارد و تضعیف و متفرق نماید تا راه غلبه بر آن‌ها هموار گردد.

نیروی سازشکار

اما نیروهای ناپی‌گیر و سازشکار همان نیروهائی هستند که در تمام دوران گسترش جنبش انقلابی می‌کوشیدند شور انقلابی مردم را خاموش کنند، مردم را به خانه‌نشینی فرا می‌خواندند و تلاش می‌کردند تا در زیر پوشش دفاع از قانون اساسی، بنیاد سلطنت را حفظ کنند و مهم‌ترین پایگاه قدرت رژیم، یعنی ارتش و پلیس و ژاندارمری ساواک‌زده و دست پرورده امپریالیسم و صهیونیسم را دست نخورده نگاه‌دارند و عمده‌ترین تعهدات رژیم شاه را به‌امپریالیست‌ها، با توسل به‌بهبانه‌های مختلف پابرجا بگذارند.

این نیروها می‌کوشیدند پیشرفت جنبش ده‌ها میلیونی خلق را، که زیر رهبری پی‌گیر و قاطع و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، با هدف‌گیری مشخص و بدون تزلزل در جهت برانداختن نظام فاسد و پوسیده سلطنتی، در راه ریشه‌کن کردن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیست‌ها، و در درجه اول امپریالیسم امریکا و صهیونیست‌ها، از سراسر زندگی اجتماعی میهن ما، در راه تامین کامل آزادی‌ها و ارزش‌های انسانی برای همه مردم محروم، در راه به‌کار انداختن ثروت‌های بی‌کران ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود محسوس زندگی محرومان جامعه، با سرعتی بی‌نظیر گسترش می‌یافت، ترمز کنند و با پخش بندر یأس و ناامیدی، با بزرگ کردن نیروی رژیم شاه و حامیان امپریالیست و صهیونیستش، مردم را از ادامه مبارزه باز دارند.

ولی جنبش خلق مانند سیلی نیرومند، همه سدهائی را که این سازشکاران در سر راهش قرار می‌دادند، درهم شکست و راه خود را باز کرد، سنگ‌های امپریالیسم و رژیم شاه را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و با قیام تاریخی خود آخرین سنگر جهنمی دشمنان، یعنی لشکر گارد را از پای درآورد.

هنگامی که دیگر معلوم می‌شد که رژیم شاه هر روز متزلزل‌تر می‌گردد و دیگر هیچ‌نیروئی در داخل ایران توانائی جلوگیری از این پیشروی ظفرنمون جنبش خلق را ندارد، و روشن گردید که حامیان امپریالیستی و صهیونیستی رژیم شاه، با توجه به‌نیروی عظیم دوستان و هواداران جنبش انقلابی ایران در صحنه جهانی، جرئت و جسارت دخالت نظامی در ایران را ندارند، این نیروها، بخشی صادقانه و پی‌گیر و بخشی ریاکارانه و تنها برای گرفتن مواضع قدرت، به‌جنبش پیوستند.

دو خط مشی در دوران سازندگی

جنبش انقلابی ایران، علی‌رغم ناپی‌گیری‌های جناح سازشکار، پیروز شد و زیر رهبری امام خمینی دولت موقت انقلابی تشکیل گردید. رژیم فاسد چند هزار ساله سلطنتی بربالهدان تاریخ افتاد، جمهوری اسلامی رسمیت یافت و دوران سازندگی نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نوین، نظام انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی آغاز گردید. ولی خیلی زود آشکار شد که همه آن نیروهائی که در آستانه انقلاب در صف واحدی برای پیروزی آن تلاش می‌کردند، برای ساختمان نظام نوین اجتماعی، نظر واحدی ندارند و برپایه همین اختلاف‌نظر به‌طور مشخص دو خط اساسی برای پی‌ریزی دوران جدید پدیدار گردید. یکی خط انقلابی و پی‌گیر و دیگری خط سازشکارانه و ناپی‌گیر. ویژه‌گی‌های سمت‌گیری انقلابی و پی‌گیر چنین بود که باید با سرعت و بدون تزلزل، پایه‌های رژیم فاسد شاه را درهم شکست، سازمان جهنمی ساواک را نابود کرد، ارتش، ژاندارمری، پلیس و دادگستری را از کلیه وابستگان و سرسپردگان به‌رژیم کهنه تصفیه و نوسازی کرد، و در انتظار این نوسازی، گروه‌های مسلخ خلق، پاسداران انقلاب را هم‌جانبه تقویت نمود، دادگاه‌های انقلاب را مأمور اجرای سریع خواست‌های انقلابی خلق در زمینه مجازات خائنین و جنایت‌کاران ساخت، و از آن هم‌جانبه پشتیبانی کرد، جنایت‌کاران را بدون توجه به‌جنجال حامیان امپریالیست‌ها به‌سختی مجازات نمود و به‌پلنگان تیزدندان مردم خوار هیچگونه ترحمی را روا ننمود، آزادی‌های فردی و اجتماعی را برای همه مردم، با استثنای جنایت‌کاران و غارت‌گران رژیم سرنگون شده، تامین کرد، قراردادهای اسارت‌آور سیاسی و نظامی و اقتصادی را با امپریالیست‌ها لغو کرد، از سنتو خارج شد، قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا و صدها قرارداد سری وابسته به‌آن را پاره کرد، ایران را به‌جرگه کشورهای غیر متعهد وارد ساخت، از جنبش‌های رهاشکنش ضد امپریالیستی در سراسر جهان و بویژه از جنبش رهاشکنش خلق عرب فلسطین هم‌جانبه پشتیبانی کرد، حاکمیت کامل ملی را بر منابع نفت مستقر ساخت، درآمد نفت را برای به‌راه انداختن چرخ‌های اقتصاد کشور و بهبود زندگی محرومان جامعه به‌کار انداخت، اقتصاد کشور را از چنگال سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی - صهیونیستی و سرمایه‌داران وابسته به‌انان خارج ساخت، ثروت‌ها و سرمایه‌ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی و بانکی متعلق به‌خاندان جنایت‌کار پهلوی و وابستگان و کارگزارانش، که تقریباً همه سرمایه‌داران و زمین‌خواران وابسته به امپریالیسم و رژیم را دربر می‌گیرد و اکثرشان با ثروت‌های بی‌حساب به‌خارج کریخته‌اند، ملی کرد و با دست توانای نیروهای خلق و با کمک اقتصادی دولت به‌راه انداخت، با تصمیمات قاطع درجهت لگام‌زدن به‌غارت‌گری سرمایه‌داران سودجو و سفته‌بازان و با بهبود وضع درآمد محرومان، توده‌های ده‌ها میلیونی مردم را از نمره انقلابی که برای پیروزی آن همه فداکاری کردند، بهره‌مند ساخت.

این‌ها همه خواست‌های میرم و بدون چون و چرای همه نیروهای انقلابی خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و بخش ملی و میهن‌پرست سرمایه‌داری ایران است، که به‌طور عمده سرمایه‌داران کوچک و متوسط را دربر می‌گیرد. این خواست‌ها در رهنمودهای بدون ابهام امام خمینی نیز به‌طور پی‌گیر بازتاب یافته و مورد پشتیبانی بدون چون و چرای همه سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی راستین میهن ما قرار گرفته است.

در برابر این خط سیاسی پی‌گیر و انقلابی، از همان روزهای نخست پس از پیروزی، از طرف بخشی از گردانندگان دولت موقت، و هم‌چنین از طرف محافظ وابسته به‌سرمایه‌داری بزرگ ایران، موضع‌گیری‌هایی آغاز شد که کم‌کم به‌صورت یک خطی سیاسی سازشکارانه و ناپی‌گیر متبلور گردیده است.

عناصر عمده این خط را می‌توان چنین بیان کرد: جنبش انقلابی ایران در همه زمینه‌ها زیاد جلو رفته و باید آنرا به‌سرحد «اعتدال» برگرداندا پیش از هر چیز نسبت به‌جنایت‌کاران و غارت‌گران رژیم گذشته باید با «رحم و شفقت» رفتار کرد! باید از «تقصیر» آنان گذشت! «در عقو

جهان در یک هفته

جنایت گسترده در پناه حمایت بی دریغ

به نوشته روزنامه لوموند، اسرائیل تجاوز گسترده و مداومی را به پناه «انتقامجویی» علیه فلسطینیها در لبنان آغاز کرده است، در هفته‌ای که گذشت، نه فقط جنوب لبنان که همیشه در معرض تجاوز اسرائیل قرار داشته، بلکه نواحی شمالی آن کشور نیز چند بار هدف بنیادین‌های متوالی واقع شد. گرچه به نهداد تجارب مکرر گذشته، زمامداران صهیونیست اسرائیل عملاً اقباب کرده‌اند که گوش‌هایی دارند که بدان صدای اعتراض‌ها و اعلام به حکومت‌ها را نمی‌شنوند و چشمانی دارند که همیشه بر ضوابط و تضییقات بین‌المللی بسته‌اند، لکن در پی هر تجاوز، آثار داغ محکومیت‌ها بر پیشانی اسرائیل فرو نتر و انزوی آن بیشتر می‌شود.

الیاس سرکیس رئیس جمهوری لبنان ضمن اعلام این مطلب که کشور وی به تهای برای تحمل سنگینی بار عواقب و آثار تجاوزات جنایتکارانه اسرائیل را ندارد، برادران عرب را به توحید مساعی و اقدام سریع فرا خواند. وی که در اجلاس هفتگی شورای وزیران سخن می‌گفت، متذکر شد که لبنان از سازمان ملل خواسته است که برای پایان بخشیدن به تجاوزات شدید اسرائیل علیه لبنان، سریعاً مداخله کند. فؤاد پطرس وزیر امور خارجه لبنان نیز در گفت و گویی با مطبوعات این کشور درباره تجاوزات اسرائیل گفت: «هربران لبنان باید تماس‌های خود را با دولت‌های عرب فرو نتر سازند تا تصمیمی مشترک درباره تشکیل کنفرانسی از سران کشورهای عرب به منظور بررسی اوضاع جنوب لبنان اتخاذ شود».

همزمان با این تجاوزات گسترده، زمامداران صهیونیست اسرائیل از تدارک و اجرای مداوم برنامه‌های توسعه طلبانه نیز غافل نیستند! و این توسعه طلبی چنان شور شده که نیویورک تایمز هم فهمیده است. این نشریه معتبر امریکایی، کار ایجاد آبدی‌های یهودی‌نشین را در سرزمین‌های اشغالی از طرف اسرائیل «اقدام فرصت‌طلبانه خطرناک» توصیف کرده است. طرزی، ناظر دائم سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سازمان ملل متحد، در این باره نامه‌ای به رئیس شورای امنیت نوشت، و تصریح کرد: «احداث مجدد آبدی‌های یهودی-نشین در ساحل غربی رود اردن گواه بر آن است که اسرائیل تصمیم گرفته است که به سیاست تجاوزکارانه خود علیه خلق فلسطین ادامه دهد. بنابراین خلق فلسطین طبیعتاً و قانوناً حق دارد که با همه نیروهای خود از جمله با مبارزه مسلحانه در برابر اعمال این سیاست مقاومت کند».

لکن اسرائیل صراحتاً اتخاذ چنین تصمیمی را اعلام می‌کند. چنان‌که عزروایزمن وزیر دفاع اسرائیل «سناخانه می‌گوید: «این کشور به حملات خود علیه کماندوهای فلسطین در هر جا، در هر زمان و به هر شیوه‌ای ادامه خواهد داد».

با اینحال پیداست که سرانجام افکار عمومی جهان متجاوزان را سر جایشان خواهند نشاند و راه حلی عادلانه، صلح‌آمیز و پایدار را بر اسرائیل تحمیل خواهند کرد.

امور می‌هرک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان، در پیامی به حافظ اسد، رئیس‌جمهوری سوریه نوشت: «هیچ‌گونه راه حلی برای مساله خاورمیانه، بدون مشارکت همه جناح‌های ذینفع، از جمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین، تنها نماینده قانونی خلق فلسطین، متصور نیست»، می‌هرک متذکر شد که تنها راه حل مساله «خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های عربی و شناسایی حقوق مردم فلسطین است».

مصر دست‌اندرکار اجرای نقش ژاندارمی

آثار و نتایج پیش‌بینی و اعلام شده توطئه نظامی امریکا - اسرائیل - مصر به تدریج ظاهر می‌شود. خبرگزاری تاس در این مورد گزارش داد که نیروهای هواپرد مصر اخیراً تجهیزات چتربازی و اسلحه جدید امریکایی دریافت کرده‌اند. خبرگزاری شوروی سپس تصریح کرد که «تحويل این تجهیزات نمایشگر این واقعیت است که نیروی ضربتی مصر دیگر عهده‌دار مأموریت دفاع از مرزهای این کشور نیست، بلکه خود را برای حمله به کشورهای عرب و قاره افریقا آماده می‌کند».

روزنامه الیبعث، ارگان حزب حاکم سوریه نوشت که طرفداران توطئه امریکایی-اسرائیلی - مصری کم‌دیوید دست اندرکار تدارک یک مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس هستند. این روزنامه تصریح کرد که هدف توافقات کم‌دیوید و پیمان‌های اصطلاح صلح مصر و اسرائیل، تدارک نقشه‌ای جغرافیایی تازه‌ای از خاورمیانه به کمک امریکا است. الیبعث همچنین اعلام کرد که سادات با اعزام نیروهای نظامی به سلطان‌نشین عمان و سودان مقدمات فشار بر کشورهای خلیج فارس و احیای اختلافات مرزی میان کشورهای این منطقه را فراهم می‌آورد. این روزنامه سپس در ضمن تاکید بر تهدیدهای امریکا در مورد تقویت حضور بحری این کشور و خطر ده‌ها هزار کره‌ای و مهاجران دیگر در کشورهای ساحلی خلیج فارس، از این لحاظ ابراز نگرانی کرد که حضور اسرائیل در خلیج عقبه و شرم‌الشیخ موجبات اجرای سریع توطئه حضور نظامی را فراهم آورد.

گوشش برای شریک‌جرم تراشی

شاهزاده حسن، برادر ملک‌الحسین، پادشاه اردن، در مصاحبه‌ای با روزنامه القیس، چاپ کویت، بی‌آن‌که نام امریکا را ببرد، اعلام کرد که فشارهای شدیدی بر اردن وارد می‌شود تا این کشور نیز به سمت و سو با اسرائیل تن دردهد. لکن زمامداران کشورهای عرب، حتی آن‌ها که همیشه در مظان اتهام وابستگی به غرب قرار داشته‌اند، و دارند، جانب مال‌اندیشی را - ضمن تامل در سرنوشت تلخ سادات - فرو نمی‌گذارند و حاضر نیستند به مصیبت انزوی سادات، این جزای تبیی و طبیعی خیانت‌او، دچار آیند.

انزوا، جزای تبیی خیانت‌سادات

لحن خبرگزاری رویتر در گزارش مربوط به اقدام اخیر مبادله اسناد میان مصر و اسرائیل درخور تامل است. این خبرگزاری در گزارش خود اعلام کرده که مبادله اسناد مصوب پیمان صلح جداگانه، که با مخالفت شدید اعراب مواجه شد، میان مصر و اسرائیل انجام گرفت. رویتر متذکر شد: «این پیمان، که امریکا در انعقاد آن نقش مهمی بر عهده داشته است، باعث انزوی مصر در میان ملت‌های عرب شده است. مخالفان رژیم سادات اعتقاد دارند که مصر با امضای این پیمان، موافقت کرده است که نقش ژاندارم امریکا را در خاورمیانه ایفا کند...».

از جمله موارد انزوی مصر، اخراج این کشور از «کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای خاور میانه» است. خبرگزاری بغداد در این مورد اعلام کرد که نمایندگان ۱۴ کشور عضو کمیسیون، به منظور حفظ وحدت این سازمان و برای آن‌که هدف‌های آن به نحو احسن جامه عمل پوشد، متفقاً بدین اقدام مبادرت ورزیدند. از طرف دیگر دبیرخانه دائم کنگره خلق‌های عرب، ضمن صدور اعلامیه‌ای، از همه نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه جهان عرب خواست که روز اول ماه مه را بهروز «واکنش مشخص» در برابر پیمانی که میان «کارتر امریالیست، بگین تروریست، و خان مغلوب (سادات)» انعقاد یافته، بدل سازند.

کار انزوی سادات و خوف او از خیانتی که مرتکب شده (به مصداق: الخائن خائف) به جایی رسیده که به نوشته النوره، چاپ دمشق، در داخل کشور دست به تصفیه‌های وسیع زده است، به طوری‌که اخیراً پنجاه نفر از افسران آزاداندیش مصر را معدوم و صدها تن از مخالفان خود را محبوس ساخته است!

اخلال‌گری، تجاوز و «دیپلماسی دو دوزه‌بازی» پکن

روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که رهبران مائوئیست چین از جاده قاروقروم، که پاکستان را از میان سلسله‌جبال هیمالیا به چین وصل می‌کند، برای فعالیت‌های خراب‌کارانه علیه کشورهای همجوار، خاصه هند و افغانستان استفاده می‌کنند.

روزنامه ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی همچنین نوشت: «چین برای احداث این جاده به پاکستان کمک کرده است تا از این طریق مخفیانه گروه‌های تعلیم‌دیده‌ای را برای مداخله در دولت‌های هندی جمو و کشمیر اعزام دارد و سریعاً و در شرایطی بهتر ساز و برگ نظامی به مرز هند ارسال کند».

پروادا تصریح کرد که پکن از همین جاده برای فعالیت‌های تخریبی علیه افغانستان استفاده می‌کند و اسلحه برای عناصر ضد انقلابی در افغانستان می‌فرستد.

از طرف دیگر خبرگزاری جمهوری سوسیالیست ویتنام اعلام کرد که کفیل وزارت امور خارجه لاوس در نامه‌ای که به سازمان ملل متحد نوشته، اعلام کرده که زمامداران مائوئیست پکن خود را برای جنگی تجاوزکارانه با لاوس آماده می‌کنند. در این نامه از سازمان ملل خواسته شده است که در برابر تهدید مسلحانه و اقدامات تجاوزکارانه نیروهای چینی علیه مرز لاوس تدابیر ضرور اتخاذ شود.

در این میان دولت پنومپن از دولت ارتجاعی تایلند، که در پیمان تجاوزکارانه چین علیه نظامات ترقی‌خواه شرق آسیا همکاری و همدستان زمامداران مائوئیست پکن است، خواست تا کمک‌های خود را به پهل‌پوت نخست‌وزیر سرنگون شده کامپوچ و نیروهای شکست خورده او قطع کند.

سولویامیه، دبیرکل حزب حاکم جانانای هند در «سینا بررسی سیاست چین در آسیا»، که در دلهی نو تشکیل شده بود، اعلام کرد: «تا هنگامی که چین سیاست توسعه طلبی را ترک نکند، استقرار مناسبات عادی با این کشور ممکن نیست». وی متذکر شد که گوش چین در راه تبدیل جنوب شرقی آسیا به منطقه نفوذ خویش صلح و ثبات‌اوضاع را در این ناحیه به خطر می‌افکند.

خبرگزاری فرانسه در تفسیری که به تشریح جنوب شرقی آسیا اختصاص داده اعلام کرده است که اوضاع در این ناحیه سخت متشنج است و احتمال می‌رود کشمکی دیگر میان چین و جمهوری سوسیالیست ویتنام آغاز شود که سراسر ناحیه، از جمله لاوس و بالاصص تایلند را دربر خواهد گرفت. تحریکات و مقاصد تجاوزکارانه و جاه‌طلبانه چین دیرگاهی است این قسمت از جهان را به کانون جنگ و جنگ بدل کرده‌است. منابع موقد در بانکوک اعلام کردند که تعداد نفرات چینی در این ناحیه، که در دوازده ماه اخیر تقریباً ثابت بوده است، اخیراً افزایش بسیار یافته است. کارشناسان نظامی عقیده‌دارند که ممکن است لاوس به صحنه جنگ جدید بدل شود. همین کارشناسان اعلام کردند که ناحیه معروف به توتکن شمالی در ویتنام، در یک مسافت ۲۵ کیلومتری، به شکلی قابل ملاحظه تقویت و تحکیم شده است، بنابراین حمله جدید مرزی چین برای سران این کشور سخت مرگبار خواهد بود.

خطر وقوع جنگ در این ناحیه هنگامی احساس می‌شود که به همدارهای جمهوری سوسیالیست ویتنام توجه کنیم. این کشور اعلام کرد که چین در هفته‌های اخیر چند بار دست به تحریکات مسلحانه زده و اوضاع مرزی را سخت متشنج کرده است. «دو دوزه بازی» چین در عرصه دیپلماسی از ویژگی‌های روابط زمامداران مائوئیست پکن با دولت‌ها و ملت‌هاست. از یک طرف موشه‌دایان سردمداران پکن را در نپال لوداد و ضمن ابراز تمایل به استقرار روابط دیپلماتیک با چین گفت: «اعتقاد دارد که چین نیز مانند نپال از قرارداد صلح مصر و اسرائیل استقبال خواهد کرد»، از طرف دیگر ساوکشیانگ، سفیر چین در سوریه، ابراز عقیده کرد که «کشورش از مبارزه اعراب برای آزادی سرزمین‌های خود که از طرف اسرائیل اشغال شده پشتیبانی خواهد کرد».

روژدیا و کلاهداری انتخاباتی

خبرگزاری فرانسه پایان انتخابات روژدیا و انتصاب ابل‌موزوروا، کشیش سیاه پوست را به مقام نخست‌وزیری روژدیا، که باید «دست بخت مشترک غرب و یان‌سفیت» برای این کشور نامید، اعلام کرد. این «بروتوس» قاره سیاه اعلام کرد که «افریقایی کردن روژدیا فاجعه آمیز است»، لکن رئیس گروه کشورهای افریقایی در سازمان ملل اعلام کرد که «انتخابات روژدیا یک کلاهداری است و قصد از آن ادامه تسلط سفیدپوستان بر روژدیا است». از طرف دیگر کمیته «استعمارزدایی» سازمان ملل متحد «انتخابات» روژدیا را محکوم و کان‌پم‌پکن اعلام کرد. این کمیته از شورای امنیت سازمان ملل طلب کرد تا اقداماتی علیه روژدیا به عمل آورد.

کشورهای افریقایی و کشورهای غیر متعهد نیز از شورای امنیت سازمان ملل خواستند که محکومیت انتخابات روژدیا و بطلان نتایج آن را اعلام کند. این کشورها، ضمن تسلیم قطعه‌های به شورای امنیت، از همه کشورهای جهان خواستند که از شناسایی دولت جدید اسقف موزوروا امتناع کنند. احتمال می‌رود که پیشنهاد کشورهای جهان سوم عضو شورای امنیت در این مورد، که این انتخابات، غیر قانونی و کان‌پم‌پکن اعلام شود، مورد تصویب قرار گیرد.

آنجبه در حاشیه اخبار روژدیا در خور تامل و تذکار است فساد رژیم و رواج رشاء و ارتشاء در رژیم افریقایی جنوبی است که از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری در سراسر جهان است. جان فورستر رئیس جمهوری آفریقایی جنوبی از طرف مولدر وزیر اطلاعات کبیه خود، در ضمن مصاحبه‌ای که در هفته‌نامه «راپور» چاپ شد، متهم به رشوه دهی به عنوان حق‌السکوت شد. وی از یک حساب سری ده میلیون دلار برای خرید روزنامه امریکایی «واشنگتن استار» و مبالغی نیز برای تأمین هزینه روزنامه «سیتیزن» پرداخته بوده است.

در راه تشنج‌زدایی و گسترش و تحکیم صلح جهانی

لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی روز جمعه در ضمن گفت و گو با واری ژیسکاردستن، رئیس جمهوری فرانسه اعلام کرد که «قرارداد سالت ۴» (محدودیت سلاح‌های ستراتژیک) به زودی امضا خواهد شد. لئونید برژنف همچنین متذکر شد که گفت و گوهای شوروی و امریکا در این زمینه به مرحله تهای خود نزدیک می‌شود.

خبرگزاری تاس درباره پیدایی دورنماهای امیدبخش جدید در افق مناسبات بین‌المللی و حصول پیشرفت‌هایی در راه تشنج‌زدایی و گسترش و تحکیم صلح جهانی، اعلامیه‌ای انتشار داد که به سمت و گوهای لئونید برژنف و واری ژیسکاردستن اختصاص دارد. خبرگزاری شوروی اعلام کرد که نتایج این مذاکرات همه کسانی را خوشنود می‌سازد که متفقانه خواستار تحکیم روند تشنج‌زدایی و تشدید مناسبات مبتنی بر همکاری شرافتمندانه و مسالمت‌آمیز میان مردم جهان هستند. تاس تصریح کرد که گفت و گوی برژنف - دستن به پیشرفت تقاضم و تشنج زدایی بین‌الملل، مساعدت کرده است و همکاری میان اتحاد شوروی و فرانسه به نفع همه خلق‌ها و به سود امر کاهش تهدید جنگ و تحکیم امنیت بین‌المللی و تقاضم است.

رئیس جمهوری فرانسه در بازگشت از سفر مسکو به هنگام ورود به پاریس، در ضمن گفت و گویی با روزنامه نگاران اعلام کرد که سه قرارداد مهم با اتحاد شوروی منعقد کرده‌است. وی همچنین گفت که این سه قرارداد به همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور ارتباط دارد. رئیس جمهور فرانسه سپس تصریح کرد که روابط اتحاد شوروی و فرانسه بر مبنای تشنج‌زدایی، تقاضم و صلح استوار است.

از صنایع ذوب آهن دفاع کنیم

می‌دارد ذوب آهن سالیانه سه میلیارد تومان ضرر می‌دهد، آقای امیرانتظام سخنگوی دولت پروس ذوب آهن را غیراقتصادی و غیر متداول عنوان می‌نماید. وزیر کار بزرگ‌ترین واحد کارگری کشور راهتدید به تعطیل می‌کند و بالاخره آقای بنی‌صدر از راه می‌رسد و با یک‌دید در اجتماع ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن محل احداث کارخانه را مطالعه نند و غلط اعلام می‌کند و دلیل این ادعا را ورود سنگ آهن از هندوستان می‌داند. مسلماً در این (اظهار نظر شورای کارکنان مرکزی شرکت ملی ذوب آهن) اخیراً مطالبی از طریق جراید و رادیو تلویزیون به ناچق بر علیه ذوب آهن اصفهان مطرح گردیده است که عنم پاسخ به آن‌ها در افکار عمومی اثر ناخوش‌ایند و گمراه کننده خواهد داشت و ممکن است موجب سوء استفاده عناصر ضد انقلاب قرارگیرد. جناب‌وزیر امور اقتصادی و دارائی‌اظهار

مورد اشتباهی رخ داده است و گر نه سنگ آهن مورد لزوم از ناحیه یزد خودمان تأمین می‌گردد. مطالبی که عنوان شده‌است برای ما تازگی ندارد. سالیانه بود که استعمارگران غرب و جیره‌خوارانش به تبلیغات وسیعی علیه این صنعت مادر ملی دست زده بودند. اکنون برای ما کارکنان ذوب آهن باعث بسی تعجب است که مسئولین دولت ملی و محبوب چسرا ناآگاهانه و بدون توجه به ارقام و بیلان سالیانه این شرکت و برنامه‌های توسعه تحت تاثیر تبلیغات سوء قرار می‌گیرند. اینک بر ماست تا حقایق را برای ملت شریف ایران و دولت انقلاب اسلامی روشن‌نماییم. ملت ایران به خاطر دارد زمانی را که پرفسور ارهارد وزیر اقتصاد وقت‌الزمان، فدرال، که بعدها به‌صدر اعظمی نیز رسید، در یک دیدار کوتاه از ایران با جملاتی به ظاهر متین و دل‌سوزانه ایجاد کارخانه ذوب آهن را حتی با حداقل ظرفیت برای ایرانی‌ها زودرس می‌دانست و دولت امریکا صحت بر آن نداد و احداث هرگونه صنعت مادر و تکنولوژی صنایع سنگین را برای ایران غیر ممکن و بلندپروازی دانسته و اقتصاد مصری، صنعت عاریتی، موتاز و کم دوام را تجویز نمود تا سیاست کثیف جهان‌خواری خود را در خاورمیانه قوت ببندد.

استعمار ساکت نماند، بار دیگر چنگالش را از آستین نوکران و سرسپردگان‌ش چون عالیخانی، انصاری و مجیدی بیرون آورد و باجوب لای‌چرخ گزاردن و اشکال تراشی مداوم موجب کند شدن روند این حرکت اصیل صنعتی و بالاخره بالارفتن هزینه‌های طرح و عقب افتادن تولیدشدند. سخن کوتاه کنیم، چون خیانت ایسن مزدوران و ارباب‌مخلوعان بر همه روشن‌است که برای انجام رسالت خود تا توانستند پایه‌های اقتصاد مصری را در این کشور مستحکمتر نمودند.

انتخاب محل احداث کارخانه بر اساس مطالعات وسیع و با توجه به موقعیت معادن، مسئله آب، انرژی نیروی انسانی و به‌طور کلی تأسیسات زیربنایی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی انجام گرفته است.

پروس کارخانه ذوب آهن اصفهان همان روش کلاسیک و متداول در دنیا، یعنی تولید چند از طریق کوره بلند و ذغال‌سنگ می‌باشد که حدود ۹۷ درصد کارخانجات دنیا با همین روش در حال تولید می‌باشند و اصولاً جهان صنعت‌روش شناخته شده و مطمئن دیگری نمی‌شاند. و اما روش احیاء مستقیم هنوز مراحل آزمایشی را طی می‌نماید و در مقیاس کارخانه‌ای فقط برای استعمار صنعتی و به‌مدردان سرمایه‌های ملی کشورهای جهان سوم و عقب‌افتاده بکار می‌رود، به‌طوری‌که موسسه تحقیقات متالورژی فرانسه (ا.پ.سید) در سینار بین‌المللی سال ۱۹۷۳ در رومانی قویا روش احیاء مستقیم را مردود اعلام می‌نماید، لکن همین موسسه با دریافت حق حساب کلان این پروس را برای ایران توجیه می‌کند و مزدوران رژیم فاسد آب به آسیای کمپانی‌های چند ملیتی می‌ریزند تا صنایع فولاد ایران را به یک کوچک آزمایشگاهی تبدیل کنند و از این‌رهگذر صدها میلیون به‌جیب بزنند.

اشاره جناب وزیر امور دارائی و اقتصادی در مصاحبه رادیو تلویزیونی به سه میلیارد تومان زیان سالیانه کارخانه ذوب آهن موجب نگرانی و شکفتی ملت ایران گردید، به طوری که ما نیز از شنیدن این رقم کلان سخت تکان خوردیم. و اما بیلان ترقم و مخارج کارخانه ذوب آهن در سال ۱۳۵۶. نشان می‌دهد که علاوه بر تأمین کلیه مخارج کارخانه و معادن وابسته، ۳۷۳ میلیون تومان بابت اصل و بهره سرمایه در گردش به بانک ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق به‌دارائی پرداخت نموده است و در مقابل ۱۷ میلیون تومان کسری داشته‌است. بنابراین ذکر رقم سه میلیارد تومان زیان را می‌توان فقط یک شوخی بزرگ‌مویوس کننده تلقی نمود. مسلماً تهیه کننده تراش اشتباه هزینه طرح توسعه کارخانه، معادن و تأسیسات وابسته را برای رسیدن به سه و نیم برابر ظرفیت فعلی کارخانه، که در جریان بهره‌برداری می‌باشد، با مخارج بهره‌برداری یک کاسه کرده و به حساب ضرر کارخانه منظور نموده است، در حالی که باید باین اصل توجه داشت که هرگونه سرمایه‌گذاری بمنظور توسعه و ایجاد کارخانه‌ای جدید در جوار تأسیسات موجود و تجهیز معادن جدید برای بالا بردن ظرفیت تولید میبایستی فقط از طریق بهره‌وری از تأسیسات و کارخانه جدید مستهکم گردد و مسلم است که سرمایه‌گذاری برای توسعه کارخانه، معادن اکتشافات و شهرسازی نبایستی به‌عنوان زیان کارخانه محسوب شود. در حال حاضر نصب ماشین‌آلات طرح توسعه در دست اقدام است و تا حدود ۱۵ ماه دیگر بهره‌برداری کامل شروع خواهد گردید و سطح تولید از ۵۵۰ هزار تن به ۲ میلیون تن فولاد در سال افزایش می‌یابد و در نتیجه درآمد حاصل به‌بیش از ۶ میلیارد بقیه در صفحه ۶

به مناسبت چهاردهم اردیبهشت، سالگرد شهادت پنج رفیق آذربایجانی.



جواد فروغی، ایوب کلانتری، حسن زهتاب، علی آذری، علی عظیم زاده

یاد شهیدان خود را گرامی بداریم

تاریخ خونین مبارزات حزب ما بیانگر این حقیقت است که حتی در شرایط سخت اختناق پلیسی، مبارزان توده‌ای لحظه‌ای در رزم خود بر علیه رژیم فاسد پهلوی غفلت نکرده‌اند. در سال ۱۳۳۸، که ساواک به تازگی از بطن «سیا» و عمال جاسوسان آمریکایی به وجود آمده بود، یورش بی رحمانه‌ای را بر ضد مبارزان راه طبقه کارگر آغاز کرد، در شیراز، اصفهان، کردستان و آذربایجان و سایر شهرهای ایران ساواک برای خوش رقصی به اربابان خود و بخیال خود برای درهم کوفتن و

شکستهای فراوان در ساواک تبریز و قزل قلعه تهران، در تبریز اعدام شدند، رژیم جابر و مستبد محمدرضا پهلوی با اعدام این رزمندگان راستین راه خلق، یک بار دیگر دست‌های پلید خود را به خون ملتی آغشته کرد که هرگز در مقابل جباران خون‌آشام و فاسد دودمان پهلوی سرتسلیم فرود نیاوردند و تا آخرین نفس بر علیه ظلم و ستم جنگیدند تا رژیم منحط محمدرضا را به گورستان تاریخ سپردند. اینک پس از گذشت ۱۹ سال، یاد این شهیدان خود را گرامی می‌داریم. گرامی باد خاطره همه شهیدان راه‌آزادی و استقلال ایران!



غروب روز یکشنبه نماینده فدراسیون عمومی کار، بزرگ‌ترین و بانفوذترین سندیکای کارگری فرانسه، برای شرکت در جشن اول ماه مه و آشنائی با جنبش سندیکائی ایران، وارد تهران شد و مورد استقبال نمایندگان عده‌ای از سندیکاهای کارگری تهران قرار گرفت.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ثانیاً، دوربینی سیاسی را جانشین کوتاه‌بینی‌های ناشی از پشداوری‌ها و برخورد‌های درست و یا نادرست در گذشته سازند. دوربینی سیاسی با حکم می‌کند که تنها با گردهمایی همه نیروهای راستین انقلابی، که صادقانه در جهت رسیدن به هدف‌های اصیل انقلاب مبارزه می‌کنند، در یک جبهه واحد می‌توان دسائس ضد انقلاب را نقش بر آب کرد، دشمنان را سرکوب نمود و امکان سازش را از نیروهای مترزل گرفت.

ادامه تفرقه در میان نیروهای اصیل انقلابی، ادامه جنگ‌های خانگی درجه‌به‌مبارزان راه خلق، بزرگ‌ترین کمک به نیروهای ضد انقلاب است. در چنین جو بیمار، کارگران امپریالیستی، ساواکی‌ها و سایر دشمنان سوگندخورده جنبش انقلابی ایران می‌کوشند هواداران سوسیالیسم علمی را از صفوف میلیونی مبارزانی که زیر پرچم اسلام در جنبش انقلابی شرکت دارند، جدا سازند، خلق‌های ایران را در برابر هم قرار دهند، شیعه و سنی را به‌جان هم اندازند، در درون صفوف هواداران سوسیالیسم علمی، با رخنه‌دادن دهها «ایسم» قلابی، تخم نفاق و دشمنی تا حد برادرکشی بپاشند. در چنین جو بیماری است که ضد انقلابیون حرفه‌ای و وازدگان جنبش انقلابی، همکاران نیکخواه‌ها و جشریان‌ها، با پخش زهرهای گوناگون، با وارد کردن اتهامات بی‌پایه می‌کوشند تا محیط سیاسی و جو همکاری نیروهای راستین انقلابی را مسموم سازند و بر سر راه تردیکی و بهم‌پیوستگی این نیروها سدهای رنگارنگی به‌وجود آورند.

سخن کوتاه: ضد انقلاب هر روز جورتر و هارتر می‌شود، سازشکاران و نیمه‌راهان هر روز آشکارتر و فعال‌تر عرض اندام می‌کنند. حزب توده ایران، بنا به بهره‌برداری از تجربیات گران‌بهای نزدیک به چهل سال مبارزه بی‌گیر و آشتی‌ناپذیر خود در راه استقلال ملی، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی زحمتکشان، و با آموزش از تجربه دهها و دهها جنبش انقلابی پیروزمند و ناکام در سراسر جهان، با احساس سنگین‌ترین مسئولیت تاریخی، بهمه نیروهای راستین انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی ایران رومی‌آورد و از آنان مصرانه می‌خواهد که در راه ایجاد شرایط لازم برای یک تبادل نظر فوری و بدون درنگ، همه امکانات خود را به کار اندازند.

به نظر حزب توده ایران، عمده‌ترین مسائلی که باید در این تبادل نظر مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار گیرند، عبارتند از:

۱. پیدا کردن راه‌های عملی برای مقابله جمعی و هماهنگ علیه دسائس اهریمنی امپریالیسم، صهیونیسم، ماژویسم و ارتجاع ایران؛
۲. تلاش هماهنگ برای فاش کردن و خنثی ساختن کوشش‌های سازشکاران در جهت تفرقه‌اندازی در جبهه متحد نیروهای انقلاب، کوشش‌هایی که در روزها و هفته‌های اخیر به‌طور آشکار و یا نهفته، موضع‌گیری‌های قاطع و بی‌گیر امام خمینی و رهبری سیاسی ایشان را به جنبش انقلابی مورد سؤال و حمله مزورانه قرار داده‌اند؛
۳. تنظیم یک برنامه مشترک و متحد برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش شکوفان آینده آن در جهت خواست‌های مبرم و بنیادی خلق‌های دهها میلیونی میهن ما؛
۴. تلاش متحد برای تدارک طرح قانون اساسی جدید، که بازتاب همه‌خواست‌های انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی مردم ایران باشد؛
۵. تشکیل جبهه متحد برای تشکیل مجلس مؤسسانی که بدون چون و چرا این قانون اساسی را تصویب کند و نظام ملی، دمکراتیک و خلقی آینده ایران را پایه گذاری نماید؛
۶. کوشش دسته‌جمعی برای بوجود آوردن دولت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای راستین انقلاب ایران، دولتی که می‌تواند یگانه ضامن اجرای قانون اساسی باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

چه کسانی امپریالیسم آمریکا را فراموش می‌کنند...

و از جانب محافظ منهدمی نیز به حد کافی افشا نمی‌شوند.

رادپو - تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، اول ماه مه را با پیام آیت‌الله خمینی آغاز کرد. این پیام سرتا تا تجلیل از کار و کارگر بود. در آن حتی یک کلمه که بتوان مستمسک تفرقه‌افکنی قرار گیرد، وجود نداشت. پیامی بود در جهت وحدت صفوف کارگران، در جهت نبرد ضد امپریالیستی و ضد استعمار. امام خمینی، همواره به‌ویژه در هفته‌های اخیر، در تمام پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به‌طور صریح و تأکید و اصرار، نقش خرابکارانه و جنایت‌کارانه امپریالیسم آمریکا را افشا کرده و مردم را به نبرد علیه آن دعوت کرده‌اند. ممکن نیست یک نفر مسلمان صدیق باشد و با وجود این نظر صریح امام بکوشد که به انواع دستاویزها، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه بیرون کند و مبارزه مردم را به سمت دیگری متوجه کند. ممکن نیست یک نفر مسلمان صدیق باشد و ضرورت وحدت صفوف خلق را، آنچه را که امام خمینی «وحدت کلمه» می‌نامد و همواره تأکید می‌کند که «همه باهم»، درک نکنند و برای اخلاص و تفرقه‌افکنی از قبل تدارک به‌بینند.

فراموش کردن امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و شعار دادن علیه جنبش کارگری و همبستگی بین‌المللی کارگران - آنهم درست در روز اول ماه مه - فقط نشانه عقب‌ماندگی فکری نیست. خنده‌دار هم نیست. توطئه‌ایست برای تفرقه‌افکنی، خدمت به امپریالیسم و ضربه زدن به انقلاب. حزب توده ایران، که مدافع راستین وحدت صفوف ضد امپریالیستی مردم ایران و حزب طبقه کارگر ایران است، به‌همه مبارزین صدیق انقلابی اعم از مذهبی و غیر مذهبی، هشدار می‌دهد: نگذاریم امپریالیسم را از زیر ضربه بیرون آورند، نگذاریم سمت اصلی نبرد را، که ضد امپریالیستی و به‌طور مشخص ضد امپریالیسم است، تغییر دهند. کسانی که چنین می‌کنند در هر لباس باشند به امپریالیسم کمک می‌کنند.

روز کارگر، به جشن عمومی تبدیل شد

ما خواهان ملی شدن سرمایه بانک‌های وابسته به امپریالیست‌ها و عمال ایرانی آن‌ها هستیم. ما خواهان اخراج کلیه مستشاران و کارشناسان وابسته به کشورهای امپریالیستی، به‌ویژه امپریالیسم آمریکا هستیم. ما از استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنیم. ما خواهان تغییر قانون کار به سود کارگران هستیم. ما خواهان مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان هستیم. ما خواهان تأمین کار برای کارگران بیکار هستیم. ما خواهان منع بهره‌کشی از کار کودکان هستیم. ما خواهان دستمزد مساوی در برابر کار مساوی برای زنان کارگر هستیم. ما خواهان تأمین حق اعتصاب برای کارگران هستیم. ما خواهان آزادی فعالیت سندیکائی هستیم. ما خواهان شرکت کارگران در اداره امور موسسات صنعتی و کشاورزی هستیم. ما خواهان رفع تبعیض حقوقی بین کارگران موسسات دولتی و خصوصی هستیم. ما خواهان حمایت کامل دولت از صنایع داخلی هستیم. ما خواهان منع ورود کالاهائی هستیم که تولید مشابه آن‌ها در داخل کشور امکان‌پذیر است. ما خواهان جلوگیری از تعطیل مؤسسات تولیدی تحت هر عنوان هستیم.

نکته‌هایی در حاشیه مراسم اول ماه مه

آنچه در راهپیمائی‌ها و تظاهرات کارگران و زحمتکشان در روز جشن کارگر جلب نظر می‌کرد، شعارها و پیام‌های بی‌شمار وحدت‌طلبانه از یک سو و جنبه شدید ضد امپریالیستی شعارها و محتوای بسیاری از پلاکات‌ها از سوی دیگر بود.

شعار: «آمریکا... آمریکا... دشمن خلق ایران» و «بر علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا متحد شویم» و «ای امپریالیسم آمریکا، خونخوارترین خصم کارگران» و نظایر آن در پرچم‌ها و پلاکات‌ها موج می‌زد و یا در غرش صد‌ها هزار دهان در فضا می‌پیچید.

تعداد بسیاری از عکس‌های شهدای کارگر، بر روی تابلوهای کوچک دستی توسط راهپیمایان حمل می‌شد. اینان کارگرانی بودند که در گرماگرم انقلاب خونین ایران، در سنگرها در خیابان‌ها به‌خاک و خون در غلتیده بودند. انبوه تصاویر این شهدا، به‌نحو صریح و روشنی از شرکت وسیع و نقش قاطع کارگران، نه تنها در سنگرهای حساس و سرنوشت ساز اعتصاب، که ستون فقرات رژیم جنایت پیشه را شکست، بلکه در مبارزات رودر روی خیابانی و سنگرهای مسلح، حکایت می‌کرد.

تعداد بسیار انبوه شرکت‌کنندگان غیر کارگر، اعم از روشنفکر و دانشجویان و دانش‌آموز و کارمند و کاسب و غیره در جشن اول ماه مه، نشانه نوعی سیاست و ابراز همبستگی طبقات و قشرها و گروه‌های ملی نسبت به کارگران، به‌خاطر نقش تعیین‌کننده آن‌ها در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بود. در واقع جشن روز کارگر بیک جشن پرشور و هیجان عمومی و ملی بدل شد، که خاطره راهپیمائی‌های عظیم روزهای پیش از انقلاب را به یاد می‌آورد.

تعداد بیشمار تنوع پوسترها، اعلامیه‌ها، جزوات، شماره‌های ویژه روزنامه‌ها، به‌خاطر روز کارگر، که در دیوار و خیابان‌ها را پر کرده بود، تاکنون به‌مناسبت هیچ‌جشن یا مناسبت دیگری، در ایران دیده نشده است. کمتر سازمان سیاسی و صنفی و مذهبی و کم‌تر کانون و انجمنی بود که به‌خاطر جشن اول ماه مه از چند هفته پیش ابتکار و تلاشی به‌خرج نداد. اقلیت‌های ملی و مذهبی نیز با چاپ اعلامیه و پوستر و برپاداشتن پلاکات و شعارهای پارچه‌ای، در تجلیل عظیم مردم ایران از طبقه کارگر شرکت کردند. جشن روز کارگر به این ترتیب به‌یک میعادگاه وحدت و هماهنگی ملی تبدیل شد.

از خانه کارگران جمعیت زیاد دیگری از کارگران، دانشجویان و دانش‌آموزان، به دعوت «شورای هماهنگی بنیاد جمع در مقابل خانه کارگران، واقع در خیابان ابوریحان، به حرکت درآمدند.

قطع رابطه ایران با مصر را تهنیت می‌گوییم

به دستور امام خمینی رابطه ایران با مصر قطع شد. این تصمیم گام مثبت دیگری است که در مبارزه مردم ایران بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم برداشته می‌شود. ما این تصمیم درست و انقلابی را تهنیت می‌گوییم و امیدواریم که ایران، با پی‌گیری در سیاست انقلابی خود، جبهه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلق‌های خاور میانه را هرچه بیشتر متحد و تقویت کند.

فصلا هفته‌ای یکبار، روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.
نشانی موقت:
تهران، خیابان ۱۶ آذر روبروی دانشکده فنی، شماره ۶۸.

راهپیمایان در پلاکات‌های خود، خواست‌های سیاسی و صنفی کارگران را اعلام کرده بودند و در حالی که شمار می‌دادند:

- اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد
- نباید کارگر اخراج گردد، حقوق کارگر پرداخت گردد
- کارگران ایران، ستون انقلابند
- صنایع وابسته ملی باید گردد.
- یک زندگی بهتر، اینست شعار کارگر
- در مسیر خیابان جمهوری (شاه سابق) حرکت کردند و وارد خیابان فردوسی شدند. در این خیابان، راهپیمایان قطعنامه زیر را خواندند:
- هرچه زودتر کارخانه‌ها، بانک‌ها، مؤسسات بیمه، شرکت‌ها، معادن و زمین‌های سرمایه‌داران خارجی و شرکاء داخلی آن‌ها ملی گردد.
- کلیه قراردادهای نابرابر سیاسی، اقتصادی و نظامی اسارت بار با کشورهای امپریالیستی بخصوص کشورهای امپریالیستی نفتی باید لغو گردد.
- اخراج کلیه کاشناسان کشورهای امپریالیستی و جایگزینی متخصصین ایرانی صنعتی کردن کشور از طریق ایجاد و توسعه صنایع مادر باید عملی گردد.
- ضمن محکوم کردن هر نوع تجزیه‌طلبی، از حقوق ملی خلق‌های ایران حمایت کرده و تضمین این حقوق را در قانون اساسی آینده خواستاریم.
- زمین‌های مالکان و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به دربار مصادره و باید به شوراهای دهقانی سپرده شود.
- قانون اساسی جدید باید مدافع منافع زحمتکشان باشد.
- قوانین کار ضد کارگری فغلی لغو گردد و قانون کار جدید با شرکت‌نمایندگان واقعی کارگران شامل موارد ذیل باید تهیه شود.

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

فصلا هفته‌ای یکبار، روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.
نشانی موقت:
تهران، خیابان ۱۶ آذر روبروی دانشکده فنی، شماره ۶۸.